سپر مؤمن

(دعا)

تالیف: قریب الله مطیع

بسم الله الرحمن الرحیم

**مقدمه**

حمد و ثنا و ستایش خاص الله عزوجل است. اوتعالی را سپاس می‌گوییم و از او استعانت و استغفار می‌طلبیم، و از بدی ‌های درون و زشتی‌های نهان به او پناه می‌بریم. هر که را الله متعال هدایت کند او را گمراه ‌کننده‌ای نیست و هر که اوتعالی گمراه کند او را هدایت‌گری نیست. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله جل جلاله نیست، یگانه است و او را شریکی نیست. وگواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه وسلم بنده‌و رسول اوست. درود و سلام فراوان بر او و آل و یاران او باد. اما بعد:

نقطه اوج عبادات، دعاست. دعا اسلحه و تکیه گاه انسان است. دعا بر آرنده نياز بنده به پروردگار است. اما چه بسا که شیطان این اسلحه را بر ضد آدمی بکار می برد.

آن هنگام که بنده بجای یا الله مدد، یا علی مدد یا حسین مدد و یا عبدالقادر جیلانی مدد و یا فلان ولی و فلان پیر مدد می گوید. و بجای یا الله به فریادم برس، می گوید؛ یا فلان ولی و فلان شیخ و پیر ادرکنی، آن زمان است که الله قادر و توانا ندا می دهد: (من از همه شریکان بی نیازترم هرکسی در عملی برایم شریکی قرار دهد من آن عمل را تماما به شریک خود واگذار می کنم. من از همه شرکاء بی نیازترم)، الله عزوجل چنین دعایی را قبول نمی کند و آن دعا را به علی و حسین و عبد القادر جیلانی و فلان ولی و فلان پیر واگذار می کند.

بنده باید با ذات اقدس الهی مناجات و عرض و حاجت کند و حوائج خود را با او در میان بگذارد، زیرا اوتعالی نه امیر گذاشته و نه حاجبی و دربانی، و نه وزیری گماشته و نه وکیل و معرفی.

هر که خواهد گو بیا و هر چه خواهد گو بخواه کبر و ناز و حاجب و دربان درین درگاه نیست. هر کس در هر جا که خواهد می تواند با جناب او سخن گوید، اوتعالی به هر دل و هر زبانی آگاه است، نه مترجم می خواهد و نه واسطه و رشوه ای. و هرگز نفرموده مقربین مرا بخوانید و یا کسی را واسطه و همراه بیاورید، بلکه فرموده، ایمان و تقوی و زاری خود را وسیله دانید و بوسیله اینها بجوئید نه آنکه اینها را بخوانید، چنانکه در سوره مائده فرموده:

ﭽ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗﭼ المائدة: ٣٥

(ای مؤمنان از الله بترسید و بسوی او وسیله بجویید) و نفرموده: "ادعوا الوسیلة" وسلیه را بجویید.

شبانه روزی پنج مرتبه از روی جود و کرم بندگانش را به درگاه خود می خواند تا باو تقرب جویند و با او تجدید عهد بندگی کنند، عجب پروردگار کارساز بنده نواز دانای راز بی نیازی است فشکرا له ثم شکرا له.

دعا هم باید مطابق با قرآن و سنت باشد زیرا یکی از حقوق الله عزوجل بر بنده این است که او را بهمان نحوی که خود او و فرستادۀ او دستور داده بخواند، و چنانکه او خواسته او را بندگی کند و از برنامه و قانون او تخلف نکند و به همان اسماء و صفاتی که الله متعال خود را معرفی کرده او را صدا زند، نه اینکه بسلیقه‌ی ناقص خود اکتفا کند و به نامها و اسمائی که لایق ذات او نیست او را بخواند و به بهانه‌ی ارادت به انبیاء و اولیاء بر خلاف قانون الهی عمل نکند.

متأسفانه بسیاری از مردم را میبینیم که بعضی از اذکار را ورد خود ساخته و به خواندن آنها صبح و شام مبادرت میورزند! درحالیکه خواندن این اذکار نه از آیات قرآنی بوده و نه هم از احادیث نبوی، و نه هم در کدام حدیث و اثری خواندن آنها ثابت شده است، و حتی در خواندن بعضی از این اذکار مبالغه و گزافه گویی های زیادی بعمل آمده است، و بمنظور تشویق و ترغیب خواننده روایات و اسناد بی اساس و بی محتوای ساخته و بافتۀ عده ای از مردم بی خرد و نادان در آنها مندرج و ثبت شده است، و از طرف دیگر بعضی از چاپ خانه ها که هدف شان جز فروش نشرات شان چیز دیگری نیست آنرا به نشر سپرده اند.

رسالۀ حاضر (سپر مومن) حاوی آداب دعا، اوقات اجابت دعا و اسباب آن، واینکه چرا دعا قبول نمیگردد؟ و چرا مسلمانان بر دشمنان شان پیروز نمیشوند؟، و دعا های که بندۀ مسلمان از آن منع شده، و برخی از احادیث جعلی و ضعیف در بارۀ دعا که بر سر زبانها است، و دعاهاي جامع برگرفته از آيات و احاديث می باشد. با اميد آن كه اين كار فقط براي رضا و خشنودي الله متعال و پيروي از سنت پاك پيامبر صلی الله علیه وسلم باشد. و صلی الله علی نبیه محمد و علی آله و صحبه وسلم.

**پیشگفتار**

دعا و نیایش یکی از مهمترین وسائل ارتباط بندگان با الله جل جلاله است، و روح هر عبادتی قرب به الله متعال و راز و نیاز با او می باشد. دعا آنگاه با اجابت مقرون میگردد که همراه با ایمان و اخلاص بوده و دعا کننده مطیع اوامر الله متعال بگردد، و از صمیم قلب به اجابت دعای خویش ایمان داشته باشد. دعا از هر کس، و در هرکجا، و در هر وقت و زمانی که باشد بویژه اوقاتی و احوالی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم آنرا بیان داشته اند، اگر الله عزوجل بخواهد قبول میگردد. دعا کننده در دعای خویش همرنگی تمام عیاری با همۀ جهان هستی میکند. ﭽﭩﭪﭫﭼ الروم: ٢٦ (همه به او فرمان بردارند).

اگر ما کمی دقیق در مسألۀ دعا بنگریم می بینیم که همۀ موجودات در حال درخواست از الله جل وعلا شأنه میباشند.ﭽﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚﮛﭼ الرحمن: ٢٩ (تمام کسانیکه در آسمانها و زمین است از او [حاجات خود را] میجویند او هر روز در شأنی است).

هیچ فرد مسلمانی از اثرات روانی، اجتماعی، و تربیتی دعا بی خبر نمیباشد زیرا انسان برای تقویت ارادۀ خویش و برطرف ساختن ناراحتیهای خود به تکیه گاهی احتیاج دارد که او را یاری و مدد نماید و آن همان ذات پاک الله عزوجل است. دعا چراغ امید را در انسان روشن میسازد، و انسان بوسیلۀ دعا و تضرع شایستگی بیشتری برای بدست آوردن فیوضات الله جل جلاله حاصل میکند. وقلب و روحش از طریق دعا پیوند نزدیکی به پروردگار پیدا می نماید.

چنانکه ما امروزه در سراسر جهان شاهد ظهور و توسعه بسياري از روش هاي درماني طب مکمل در يک ديد کل نگر نسبت به جسم ، ذهن ، روان و روح انسان هستيم. اين ديدگاه درسال هاي اخير از پذيرش بالايي برخوردار گشته است. برخي از دانشمندان ، با انجام مطالعات علمي، در پي يافتن شواهدي مبني بر تاثير دعا بر سلامت جسمي و روحي انسان مي باشند.

اگر چه ما مسلمانان که به قدرت و تاثير دعا اعتقاد داريم، از ارائه اين گونه شواهد بي نياز هستيم، اما پرداختن به نتايج برخي از اين تحقيقات، خالي از حکمت نخواهد بود.

**نظر دانشمندان غرب و شرق در باره دعا:**

اگر چه دعا درماني‌براي‌مسلمانان‌بسيار قابل‌توجه است‌و‌در آموزه‌هاي‌ديني آنان‌به‌توسل‌و توكل‌الهي‌بسیار تاكيد شده. اما محققان‌در غرب و شرق كه‌به‌دوري‌مردم‌جوامع به اصطلاح مدرن از دعا و معنويت‌واقفند ، به‌تازگي‌به‌تحقيق‌در اين‌باره‌علاقمند گشته و اقدام به معرفی انواع معنویت درمانی نموده اند .

در سال ‏هاى اخير مراكز تحقيقاتى مهمى در جهان تأسيس شده كه دستور كار آنها بررسى ارتباط بين دعا و سلامتى ، یا مذهب وسلامتی است و تا كنون صدها مطالعه در اين زمينه انجام شده که نتايج همه اين بررسى‏ها بر يك امر واحد اشاره مى‏كند و آن این است که : «ميزان‏ ابتلاء به بیماری ها و مرگ در افراد با ايمان كمتر از سايرين است و لذا اين افراد سلامتى جسمى، روانى و اجتماعى و همچنين، طول عمر و رضايت بيشترى از زندگى دارند».

دکتر ویکتور فرانکل روانشناس آلمانی می گوید: این رنج و درد نیست که باعث ناراحتی و اندوه ما می شود بلکه فقدان معنا در زندگی باعث ناراحتی ماست. وی بنیانگذار جدید ترین مکتب روان شناسی، بنام معنا درمانی یا (لوگو تراپی= logo therapy ) است.

محققين به اين نتيجه رسيده‏اند كه اصول مشتركى در دستورات مذهبى اديان عمده جهان وجود دارد كه از سلامتى پيروان آن‏ها محافظت مى‏كند. این اصول مشترک ریشه در معنویت دارد. معنويت عبارت از اعتقاد به الله و يا قدرت برتر و یا هدفی والا در زندگی است. در طب معنوي تلاش مي شود از طرق مختلفي قدرت دفاع بيمار و اعتماد به نفس او را افزوده و به کنار آمدن او با مشکلات و بيماريهاي مزمن کمک نمايند. یکی از این روشها ، دعا می باشد که باعث آرامش واطمینان مي گردد.

تحقيقات ‌نشان ‌مي ‌دهد دعا خواندن ‌وذكر گفتن ‌فشار خون ‌را پايين‌ مي‌آورد، ضربان ‌قلب ‌را آرام ‌مي كند واز بيماري هاي ‌مرتبط با سامانه ‌دفاعي ‌بدن‌ پيشگيري‌ مي‌ كند. بيماري‌ هايي ‌همچون ‌شکر‌، بسياري ‌از بيماريهاي ‌پوست ‌ومو، برخي ‌از بيماري ‌هاي‌ كليوي ‌و ريوي ‌وبرخي ‌بيماري ‌هاي ‌عفوني ‌به ‌شدت ‌تحت ‌تاثير سامانه ‌دفاعي ‌بدن‌ هستند كه ‌دعا درماني ‌از تعداد موارد و شدت ‌اين ‌نوع ‌بيماري‌ها در بدن ‌ما مي ‌كاهد. ‌دعا حتي ‌مي ‌تواند در جراحي‌ها، به ‌بهبودي ‌زودتر بيماران ‌وكاهش‌ مقدار آنتي ‌بيوتيك ‌مورد نياز پس ‌از عمل ‌منجر شود.

همچنين ‌در پزشكي ‌مدرن ‌امروز در تحقيقات ‌متعدد ثابت ‌شده ‌است‌ که دعا ، در درمان ‌بيماران ‌اعصاب ‌وروان ‌و‌پيشگيري ‌از اين ‌بيماري ‌ها كه ‌در عصر حاضر شيوع ‌زيادي ‌يافته ‌است ‌تاثير به ‌سزايي ‌دارد.

دکتر رندولف بايرد در بيمارستان عمومي شهرستان فرانسيسکو تحقيق جالبي انجام داده است. وي 393 بيمار را که در بخش مراقبت هاي قلبي بيمارستان بستري بوده اند در دو گروه قرار داد. در يک گروه به طور مرتب توسط افرادي خاص به عنوان دعا کننده، دعا مي شد و براي گروه دوم هيچگونه دعايي انجام نمي شد. هر دو گروه درمانهاي دارويي را به صورت مشابه دريافت مي کردند و از نظر سن، جنس، ميزان ابتلا به بيماري انسداد شرايين قلبي و... يکسان بودند.. ده ماه بعد نتايج شگفت انگيزي به دست آمد. بيماراني که برايشان دعا شده بود 5 برابر کمتر از بيماران دعا نشده به آنتي بيوتيک نياز پيدا کرده بودند. 2.5 برابر کمتر از بيماران دعا نشده دچار انسداد عروق قلب شده بودند و ميزان ايست قلبي در بيماران دعا شده کمتر بود.

دكتر دتلولينك استاد روان شناسي عصبي در دانشگاه شهر بن آلمان و متخصص اختلالات و بي نظمي درخواب معتقد است كه به وسيله دعا و نيايش قبل از خواب افراد مبتلا به كابوسهاي مستمر شبانه مي توانند كنترل خواب خود را دردست گرفته و كابوس تلخ خود را به روياي شيرين مبدل كنند. به گفته دكتر لينك خواندن منظم دعا قبل از خواب مي تواند از طريق زدودن افكار پليد و ناپاك از ذهن به رهايي افرادي كه از كابوسهاي وحشتناك رنج مي برند، كمك بزرگي بكند. به گفته اين دانشمند آلماني، شماري از بيماران مستاصل وي با استفاده از اين روش دعا درماني موفق شده اند تا سلامتي نسبي و خواب راحت خود را مجددا بازيابند.

دکتر هوبرت بنسون نیز در کنفرانس ارزش هاي درماني دعا اعلام کرد: دعا خواندن مغز را بکار مي اندازد، عوارض ايدز را کاهش مي دهد ، از فشار خون مي کاهد ، نازايي را درمان مي کند. ....تکرار دعاها باعث کاهش ميزان تنفس و فعاليت موجي مغز مي شود و گاهي چنان قدرت درماني دارد که نياز به عمل جراحي يا درمان پر هزينه دارويي را از بين مي برد.

يک دانشمند جاپانی، به نام دکتر ( ماسارو ایموتو ) تحقیقات گسترده ای بر روی آب ، به‌وسيله فيزيک کوانتومي انجام داده ، و تاثیرات خارق‌العاده‌ي نيروي فکر و انديشه، الفاظ و کلمات، احساسات، دعا، و انواع صداها را بررسی کرده است . طبق اين کشفيات، نه‌تنها ما مي‌توانيم بسیاری از مشکلاتمان را از طريق اين نيروها، به ‌خصوص نيروهاي معنوي و الهي، برطرف کنيم؛ بلکه مي‌توانيم بر ديگران و محيط پيرامونمان اثر گذاشته و زندگيمان را بهتر و شيرين‌تر کنيم.

پیر کوری برنده جایزه نوبل میگوید: همۀ علوم و تحقیقات و دعا برای آنست که پروردگار رازهای ابدی اش را بر ما آشکار کند. خداوند رازهایی دارد و فقط زمانی پرده از آنها بر میدارد که انسان مشتاقانه در جستجوی گشودن آنها باشد.

الكسيس كارل ، فيزيولوژيست مشهور در اين باره مي‌گويد: «دعا و نماز قوي ‌ترين نيرويي است كه انسان‌ها مي ‌توانند ايجاد كنند؛ ‌نيرويي است كه چون قوة ‌جاذبة ‌زمين، ‌وجود حقيقي دارد. از راه دعا، بشر مي‌كوشد نيروي محدود خود را با متوسّل شدن به منبع نامحدودي ( الله) افزايش دهد. هنگام دعا،‌خود را به قوّة محركة پايان ناپذيري كه تمام كائنات را به هم پيوسته است، ‌متصل مي‌کند و از او قدرت مي گیرد. آثار دعا و نيايش در فعاليت‌هاي مغزي انسان يك نوع شكفتگي و انبساط باطني و گاه قهرماني و دلاوري را تحريك مي‌كند». پژوهش ها نشان داده اند؛ دعا و نيايش و نيروي شفابخش حاصل از آن موجب جلوگيري از رشد سلول هاي سرطاني، حفاظت از گلبول هاي قرمز خون، تغيير حالت کيميايي خون و افزايش اکسيجن رساني توسط خون به اندام ها و نيز بهبود سريع تر زخم ها و جراحات پوستي مي گردد.

مطالعاتي که در زمينه ي دعا درماني از راه دور بر روي افراد مبتلا به بيماري هاي قلبي، پُرفشاري خون، بيماري هاي ايدز وسرطان انجام گرفته نيز نشان دهنده ي تاثير مثبت دعا در سلامتي اين افراد است.

دیـل کـارنگی می‌گوید: «دعا کردن چند احتیاج اصلی روان شناسی را کـه هـمـه کـس اعـم از مومن و مشرک در آن سهیم است, برآورده می‌کند:

الـف) در مـوقع دعا کردن چیزهایی را که باعث زحمت و ناراحتی مـا شده است بر زبان جاری می‌سازیم؛ دعا کردن همان عمل یادداشت کردن روی کاغذ را انجام می‌دهد.

ب) هـنـگام دعا کردن این احساس به ما دست می‌دهد که یک شریک غم پـیدا کرده‌ایم و تنها نیستیم. تمام پزشکان روان شناس تایید می‌کـنـند که وقتی ما گرفتار هیجان و غمهای فشرده در سینه و تالم روحـی هـستیم , برای معالجه لازم است مشکلات و گرفتاریهای خود را بـرای کسی بگوییم و به اصطلاح درد دل خود را خالی کنیم. وقتی که مـا نمی‌توانیم به هیچ کس دیگر بگوییم, همیشه می‌توانیم الله قادر و توانا را محرم اسرار خود قرار دهیم.

ج) و دعا کردن انسان را وادار به کار می‌کند.

تعدادی از مطالعات در دانشگاه دوک نشان دادکه ترکیب مشارکت فعال در یک جامعه مذهبی و دعای مکرر اثرات فوق العاده ای روی فشار خون دارد. در دانشگاه کالیفرنیا 393 بیمار قلبی را به دو دسته تقسیم کردند که یک گروه را عده ای دیگر دعا می کردند و نتیجه گرفتند که گروه مورد دعا مرگ و میر کمتر و نیاز به مداخلات پزشکی کمتر داشتند.

آری دعا اعلام یک نیاز به موجودی بی نیاز، قدرتمند و بخشنده است. دعا دربردارنده ي حقيقت عبادت است. دعا نياز بنده به پروردگار است. و كسي كه با تدبر و انديشه، بر كلام آشكار و صريح قرآن و سنت پاك پيامبر بنگرد، متوجه میشود كه حق دعا و فضل و فهم آن متواتر و واضح و آشكار است، و براي هر حقي حقيقتي است؛ چنان كه براي هر فضل و احساني، اجر و پاداش بسياري است. آری، دعا نوعي از درمانهای شفابخشی است كه با متوجه كردن ذهن و قلب به سوى ذات پروردگار انجام مى‏شود.

**دعا در لغت و اصطلاح**

دعا در لغت: به معناى خواندن و حاجت خواستن و استمداد است، و گاهى مطلق خواندن از آن منظور است.

در اصطلاح دعا عبارت است از: خواستن حاجت از الله متعال. يا صدا زدن و مدد خواستن در حل مشکلات خود از الله متعال.

واژه دعا و دیگر مشتقات آن در قرآن كريم به چندین معنا به کار رفته است که از جمله آنها، خواندن، دعا کردن، خواستن از الله عزوجل، ندا دادن، صدا زدن، دعوت کردن به چیزى یا به سوى کسى، استغاثه و یارى خواستن؛ عبادت کردن و… مى ‏باشد.

**فضیلت دعا**

دعا کردن یکی از بهترین اعمالی است که هم الله عزوجل در قرآن كريم و هم پیامبر اکرمش صلی الله علیه و سلم در احاديث شريف تاکید بسیار نموده اند. بنابرين دعا بهترين توشه ي روز آخرت و بزرگ ترين مراد و مقصود مؤمنان و نيكوكاران به شمار مي رود ، و در عین وقت عبادت مهمی است.

**فضیلت دعا از قرآن کریم:**

الله متعال میفرماید: ﮋ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﮊ غافر: ٦٠

(و پروردگار شما فرمود: مرا با خلوص دل بخوانيد تا دعاي شما را مستجاب كنم و آنان كه از دعا و عبادت من روي گردانند و سركشي كنند، زود با ذلت و خواري در دوزخ وارد شوند).

و میفرمايد: ﮋ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻﮊ البقرة: ١٨٦.

(و چون بندگان من از دوري و نزديكي من از تو پرسند، بدانند كه من به آن ها نزديكم و هر كه مرا بخواند، دعاي او را اجابت كنم. پس بايستي دعوت مرا بپذيرند و به من ایمان بیاورند، باشد كه راه – سعادت- يابند).

**فضیلت دعا از سنت مطهر:**

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «الدُّعاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ»([[1]](#footnote-1)).

(دعا همان عبادت است).

و فرمودند: «إِنَّ رَبَّكُمْ تَبَارَكَ وَتَعَالى حَيِيٌّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي مِنْ عَبْدِهِ إِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَيْهِ أَنْ يَرُدَّهُمَا صِفْراً [خَائِبَتَيْنِ]»([[2]](#footnote-2)).

(پروردگار تبارك و تعالي شما داراي حيا و كرم است و از بنده ي خود شرم میكند كه هرگاه دو دستش را به سوي او بلند كند، آن را خالي برگرداند).

همچنان فرمودند: «لاَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ إِلاَّ الدُّعَاءُ، وَلاَ يَزِيدُ فِي الْعُمُرِ إِلاَّ البِرُّ»([[3]](#footnote-3)).

(هيچ چيز قضا و سرنوشت را باز نمیگرداند مگر دعا. و هيچ چيز جز نيكي و بخشش و طاعت، بر عمر نمی افزايد).

همچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ما على الأَرْضِ مُسْلِمٌ يَدْعُو اللهَ تَعَالَى بِدَعْوَةٍ إِلاَّ آتَاهُ اللهُ إِيَّاها -[إِمَّا أَنْ يُعَجِّلَهَا، وَإمَّا أَنْ يَدَّخِرَهَا لَهُ]- أَوْ صَرَفَ عَنْهُ مِنَ السُّوءِ مِثْلَهاَ، مَا لَمْ يَدْعُ بإِثْمٍ أَوْ قَطِيعَةِ رَحِِمٍ ، قَالَ رَجُلٌ مِنَ القَوْمِ: إِذاً نُكْثِرُ ، قَالَ: اللهُ أَكْثَرُ»([[4]](#footnote-4)).

(هيچ مسلماني بر زمين الله تعالی را به دعايي نخواند مگر اين كه الله عزوجل دعاي او را اجابت كند، يا اين كه زود به او دهد، يا اين كه براي روز قيامت او ذخيره كند يا اين كه مانند آن شر و بدي از او برگرداند، درحالي كه در دعاي او گناه و قطع رحمي نباشد). مردي از آن ها گفت: اگر چنين است زياد دعا میكنيم. آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: (الله بيشتر اجابت میكند).

همچنان رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لكلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ يَدْعُو بِهَا، فَأُرِيدُ إِنْ شَاءَ اللهُ أَنْ أَخْتَبِئَ دَعْوَتِي شَفَاعَةً لأمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَة»([[5]](#footnote-5)).

(هر پيامبر دعاي مخصوص به خود دارد كه با آن دعا مي كند و من میخواهم دعاي خود را پنهان كنم تا ـ إن شاء الله ـ روز قيامت شفاعتي براي امتم باشد).

**شروط دعا**

**اول: توحيد و اخلاص در دعا.**

الله عزوجل میفرمايد: ﮋ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮊ الزمر: ١٤ - ١٥

(بگو من الله يكتا را میپرستم و دينم را خاص و خالص براي او می گردانم. شما هم اي مشركان هر كه را میخواهيد جز الله بپرستيد).

الله عزوجل میفرمايد: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﮊ الرعد: ١٤.

(دعوت الله و رسول، به حق و حقيقت است، ولي دعوت غير الله همه دروغ است. هيچ حاجتي را از خلق برنياورند مانند، آن كس كه دست بر چاه آبي فرو بَرَد كه بياشامد و دستش به آب نرسد. و كافران جز به حرمان و گمراهي دعوت نمیكنند).

**دوم: اين كه خوردن و آشاميدن و پوشيدن از حلال باشد.**

«ذَكَرَ النَّبيُّ صلی الله علیه وسلم الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ، أَشْعَثَ أغْبَرَ، يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ، يَارَبِّ، يَارَبِّ، وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ، وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ، وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ، وَغُذِيَ بِالْحَرَامِ، فَأَنّى يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ؟!»([[6]](#footnote-6)).

(رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از مردي ياد كردند كه سفر خود را طولاني میكند و با مويي پريشان و رويي گردآلود دو دستش را به سوي آسمان بلند كرده، میگويد: "الها! الها!" در حالي كه غذايش حرام، آبش حرام، لباسش حرام و تغذيه شده به حرام است. پس چگونه الله متعال دعاي او را اجابت كند (الله عزوجل دعاي چنين بندگاني را اجابت نمیكند).

**آداب دعا**

1 ـ دعا باید با حمد و سپاس و ستايش الله تبارک وتعالی و درود بر پيامبر اکرم صلی الله علیه وسلم شروع و با آنها به پايان برسد.

پيامبراکرم صلی الله علیه وسلم به كسي كه قبل از درود فرستادن بر ایشان، در دعا كردن عجله فرمود: «عجلتَ أَيُّهَا الْمُصَلِّي، إِذَاِ صَلَّيْتَ فَقَعَدْتَ فَاحْمَدِ اللهَ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ وَصَلِّ عَلَيَّ، ثُمَّ ادْعُهُ».

(اي نمازگزار! عجله كردي. هرگاه نماز خواندی و نشستي، الله را به آن چه سزاوار است ستايش كن و برمن درود بفرست، سپس الله را دعا كن).

و به كسي كه الله عزوجل را ستايش نمود و بر ایشان درود فرستاد، فرمود: «أَيُّهَا الْمُصَلِّي ادْعُ تُجَبْ»([[7]](#footnote-7)).

(اي نمازگزار! دعا كن كه دعايت اجابت مي شود).

و در روایتی: «كُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوبٌ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»([[8]](#footnote-8)).

(هر دعایی از بالا رفتن بسوی آسمان منع میشود تا آنکه بر محمد صلی الله علیه وسلم و اهل بیت ایشان درود فرستاده نشود).

2 ـ در دعا و خواهش از الله متعال، عزم و اراده كند و یقین داشته باشدکه الله تعالی دعایش را می پذیرد.

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيَعْزِمِ الْمَسْأَلَةَ، وَلاَ يَقُولَنَّ: اللّهُمَّ إِنْ شِئْتَ فَأَعْطِنِي، فَإِنَّهُ لاَ مُسْتَكْرِهَ لَهُ»([[9]](#footnote-9)).

(هرگاه يكی از شما دعا كرد، در دعا كردن عزم و اراده كند و نبايد بگويد: الها! اگر خواستي به من بده؛ زیرا کسی الله جل جلاله را به انجام دادن کاری مجبور کرده نمیتواند).

3 ـ در اجابت دعا عجله نكند.

پيامبراکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «يستجابُ لأَحَدِكُمْ مَا لَمْ يَعْجَلْ، يَقُولُ: دَعَوْتُ فَلَمْ يُستَجَبْ لِي»([[10]](#footnote-10)).

(دعاي يكی از شما قبول مي شود تا وفتی كه عجله نكند و نگويد: دعا كردم ولي مستجاب نشد).

4 ـ در دعا سجع (سخن با قافيه) نگويد يعني با تكلف دعا نكند و صداي خود را بلند نكند. و در تفسير تعدي و تجاوز در دعا، در اين آيه سجع گفته شده است: ﮋ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮊ الأعراف: ٥٥

(پروردگار خود را با تضرع و زاري بخوانيد كه الله هرگز ستمكاران و تجاوزكنندگان را دوست ندارد).

ابن عباس رضي الله عنهما به عكرمه رحمه الله فرمود: «... فَانُظرِ السَّجْعَ مِنَ الدُّعَاءِ فَاجْتَنِبْهُ، فَإِنِّي عَهِدتُّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه وسلم وَأَصْحَابَهُ لا يَفْعَلُونَ إِلاَّ ذَلِكَ»([[11]](#footnote-11)).

(بنگر و از سجع در دعا دوري كن؛ زيرا عهد من با رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحاب او چنين بود، كه از سجع دوري میكردند).

5 ـ در حال دعا رو به قبله بودن همراه با بلند كردن دو دست، و وضو داشتن به خصوص در دعاي طلب باران.

«دَعَا رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه وسلم وَاسْتَسْقَى، ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَقَلَبَ رِدَاءَهُ»([[12]](#footnote-12)).

(رسول الله صلی الله علیه وسلم براي طلب باران دعا كرده، رو به قبله ايستادند و عباي خود را زیرو رو (معکوس) بر تن كردند).

وقد ثَبَتَ كذلكَ دعاؤُهُ صلی الله علیه وسلم في الاستسقاءِ في خُطبةِ الجُمُعةِ غِيرَ مستقبِلٍ القِبْلَةَ([[13]](#footnote-13)).

و همچنين در روايتي ثابت است كه در دعاي طلب باران در خطبۀ جمعه، قبله را استقبال نكردند.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حال دعا دو دوست خود را بلند كردند تا آن جا كه عده اي از صحابه مانند ابو موسي و انس رضي الله عنهما، سفيدي زير بغل حضرت را مشاهده نمودند([[14]](#footnote-14)).

6 ـ خشوع و حضور دل در دعا همراه با صداي كوتاه. الله تعالی میفرمايد:

ﮋﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﮊ الأنبياء: ٩٠

(زيرا آن ها در كارهاي خير عجله میكردند و در حال بيم و اميد ما را میخواندند و هميشه به درگاه ما متواضع و فروتن بودند).

و فرمود: ﮋ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮊ الأعراف: ٥٥

(پروردگار خود را با تضرع و زاري بخوانيد كه الله هرگز ستمكاران و تجاوزكنندگان را دوست ندارد).

و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إَنَّكُمْ لَيْسَ تَدْعُونَ أَصَمَّ وَلاَ غَائِباً، إِنَّكُمْ تَدْعُونَهُ سَمِيعاً قَرِيباً وَهُوَ مَعَكُمْ»([[15]](#footnote-15)).

(شما كر و غايب را نمیخوانيد، بلكه شنونده اي نزديك را میخوانيد كه با شماست).

7 ـ اين كه در دعا كردن همچنان التماس و زاري نمايد.

عايشه رضي الله عنها گويد: «حتي إِذَا كَاَن ذَاتَ يَوْمٍ، أَوْ ذَاتَ لَيْلَةٍ، دَعَا رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه وسلم، ثُمَّ دَعَا، ثُمَّ دَعَا...»([[16]](#footnote-16)).

(شبي يا روزي بود و رسول الله صلی الله علیه وسلم پروردگار را خواند سپس او را خواند، سپس او را خواند).

8 ـ در دعا كردن با نام های الله جل جلاله به او توسل جويد.

الله عزوجل میفرمايد: ﮋ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮊ الأعراف: ١٨٠

(و الله دارای زیبا ترین نامها است، اوتعالی را با آن بخوانيد، و آنان را كه در نام هاي او به تحریف دست می زنند، واگذاريد كه به زودي به كردار بدشان مجازات خواهند شد).

و در حدیث شریف آمده: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- الْمَسْجِدَ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ قَدْ قَضَى صَلاَتَهُ وَهُوَ يَتَشَهَّدُ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ الأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِى لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ أَنْ تَغْفِرَ لِى ذُنُوبِى إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. قَالَ فَقَالَ « قَدْ غُفِرَ لَهُ قَدْ غُفِرَ لَهُ»([[17]](#footnote-17)).

(روزی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم وارد مسجد شدند که مردی نماز خوانده و در تشهد اخیر نشسته و می گوید: پروردگارا! من از تو میخواهم ای الله یگانۀ بی نیاز که کسی را نزاده و زاده نشده و هیچ کس او را همتا نیست اینکه گناهانم را ببخشایی چرا که تو بخشندۀ مهربان هستی. آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند:( بی گمان بخشیده شد، بخشیده شد).

9 ـ به اعمال نيك و صالح خود به الله توسل جويد.

در حدیث صحیح از رسولِ اللهِ صلی الله علیه وسلم آمده است: قصةُ ثلاثةِ رَهْطٍ، مِمَّنْ كَانُوا قَبْلَنَا، آواهمُ المبيتُ إلى غارٍ فسدَّتْ عليهمُ الغارَ صخرةٌ مِنَ الجبَلِ؛ فدعا الأَوّلُ متوسِّلاً بمزيدِ بِرِّهِ بأبوَيْه، والثاني بعِفَّتهِ عن الزِّنى مع عِظَمِ الدَّاعي إليه، والثالثُ بحفظِهِ الأمانةَ ورَدِّهاَ تامَّةً مثمَّرةً لصاحبِها، فانفرجَ في دعوةِ كلِّ واحدٍ منهمْ شيءٌ منها، فلمّا انفرجَتْ كلُّها خرجوا يمشُون»([[18]](#footnote-18)).

(از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است كه سه نفر از مردم پيش از اسلام، به غاري پناه بردند. سنگي راه ورودي غار را بست. آن ها به الله جل جلاله متوسل شدند، اولين نفر به فرمانبرداري و طاعت پدر و مادر، دومي به پاكي و عفت خود از زناكاري با وجود سبب آن و نفر سوم به امانت داري و برگردانيدن تمام امانت ها و سود آن. و با دعاي هركدام از آن ها، اندكي از راه ورود باز میشد. با دعای آخرین یعنی سوم كاملا راه باز شد، از غار بيرون آمدند و رفتند.

10 ـ در دعا كردن، به دعاهاي كامل و جامع روي آورد و بر آن ها درنگ و تأمل كند.

در حدیث «كانَ رَسُولُ اللهِ يَسْتَحِبُّ الْجَوَامِعَ مِنَ الدُّعَاءِ، وَيَدَعُ مَا سِوَى ذَلِكَ»([[19]](#footnote-19)).

(رسول الله صلی الله علیه وسلم دعايي را مستحب میدانست كه كامل و جامع بود (شامل دنيا و آخرت و دعايي با عبارت كوتاه و معناي بسيار) و آن حضرت دعاهاي غير اين را ترك میكرد).

11- دعا ها را باید سه بار تکرار نماید، چنانکه امام بخاری رحمه الله از عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه روایت نموده که در یکی از روزها وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در کنار کعبه به سجده رفتند عقبه بن ابی معیط شکمبه شتر را میان پشت و دو شانه آنحضرت صلی الله علیه وسلم نهاد تا آنکه فاطمه رضی الله عنها آمد و آنرا از پشت مبارک شان دور انداخت سپس ایشان سر خویش را بلند نموده فرمودند «اللهم علیک بقریش» (الها! خودت به حساب قریش برس) و سه بار این دعا را تکرار فرمودند. ایشان دعا و مسألت را سه بار تکرار می نمودند)([[20]](#footnote-20)).

12- گریه و ناله و زاری به الله عزوجل:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ أَنَّ النَّبِىَّ -صلى الله عليه وسلم- تَلاَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِى إِبْرَاهِيمَ ( رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِى فَإِنَّهُ مِنِّى) الآيَةَ. وَقَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلاَمُ ( إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) فَرَفَعَ يَدَيْهِ وَقَالَ « اللَّهُمَّ أُمَّتِى أُمَّتِى ». وَبَكَى فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا جِبْرِيلُ اذْهَبْ إِلَى مُحَمَّدٍ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ فَسَلْهُ مَا يُبْكِيكَ فَأَتَاهُ جِبْرِيلُ - عَلَيْهِ الصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ - فَسَأَلَهُ فَأَخْبَرَهُ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- بِمَا قَالَ. وَهُوَ أَعْلَمُ. فَقَالَ اللَّهُ يَا جِبْرِيلُ اذْهَبْ إِلَى مُحَمَّدٍ فَقُلْ إِنَّا سَنُرْضِيكَ فِى أُمَّتِكَ وَلاَ نَسُوءُكَ([[21]](#footnote-21)).

از عبد الله بن عمرو بن العاص روایت است که وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودۀ الله عزوجل در مورد ابراهیم علیه السلام(پروردگارا! این بتها بسیاری از مردم را گمراه ساخته اند پس هرکه از من پیروی کند، او از من است) و عیسی علیه السلام فرمود: (اگر آنان را عذاب کنی، بندگان تو هستند و اگر از ایشان گذشت کنی-تو خود دانی و توانی- چرا که تو توانا و کار بجایی) را تلاوت نمودند دو دست شان را بلند نموده فرمودند: «اللهم امتی امتی» و گریه نمودند. الله متعال فرمود: ای جبریل نزد محمد برو و پروردگارت آگاه تر است و از او بپرس چه چیز ترا به گریه آورد؟ جبریل علیه السلام نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمد ایشان سبب گریه را به جبریل بازگو نمود در حالیکه الله عزوجل داناتر است. سپس الله متعال فرمود: ای جبریل برو و به محمد بگو ما ترا در مورد امتت راضی می سازیم و ترا غمگین نخواهیم کرد).

13- دعا در همه احوال و اوضاع:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم میفرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْتَجِيبَ اللَّهُ لَهُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَالكَرْبِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ»([[22]](#footnote-22)).

(آنکه خوشش آید اینکه الله عزوجل دعایش را در وقت سختی و شدت و رنج قبول کند پس باید در وقت آسایش دعای زیاد بکند).

14- عدم دعا بر اهل و اولاد و اموال:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم میفرمایند: «لاَ تَدْعُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَلاَ تَدْعُوا عَلَى أَوْلاَدِكُمْ وَلاَ تَدْعُوا عَلَى أَمْوَالِكُمْ لاَ تُوَافِقُوا مِنَ اللَّهِ سَاعَةً يُسْأَلُ فِيهَا عَطَاءٌ فَيَسْتَجِيبُ لَكُمْ»([[23]](#footnote-23)).

(بر نفس های خود و بر اولاد و اموال خود دعای بد نکنید تا موافق نشود به ساعتی که الله تعالی در آن ساعت چون از عطایی سوال شود برای شما اجابت کند).

15- به جز الله عزوجل از کسی دیگر چیزی نطلبد:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به ابن عباس رضی الله عنهما چنین توصیه نمودند: «يَا غُلاَمُ إِنِّي أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ ، احْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظْكَ ، احْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ ، وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ ، وَاعْلَمْ أَنَّ الأُمَّةَ لَوْ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلاَّ بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ ، وَلَوْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَضُرُّوكَ إِلاَّ بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ ، رُفِعَتِ الأَقْلاَمُ وَجَفَّتْ الصُّحُفُ»([[24]](#footnote-24)). (ای پسر! چند سخن ارجمند را برایت تعلیم می دهم. الله را حفظ کن تا ترا حفظ کند. بیاد الله باش اوتعالی را در برابرت می یابی. اگر چیزی می خواهی از الله بخواه، اگر یاری می جویی از الله بجو، و بدان که اگر تمام مردم جمع شوند تا به تو نفعی برسانند، نفع رسانده نمی توانند مگر چیزی را که الله برایت نوشته است و اگر همه جمع شوند تا بتو ضرری برسانند، ضرری رسانده نمی توانند مگر آنچه را که الله برایت نوشته و مقدر کرده است، قلمها برداشته شده و صحیفه ها خشک گردیده است).

16- به گناهان خود اعتراف کند و از الله عزوجل آمرزش بخواهد:

از شداد بن اوس رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: سید استغفار این است که بگوید: «سَيِّدُ الاِسْتِغْفَارِ أَنْ تَقُولَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ بِذَنْبِي اغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ قَالَ ، وَمَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ مُوقِنًا بِهَا فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُمْسِيَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهْوَ مُوقِنٌ بِهَا فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يُصْبِحَ فَهْوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ»([[25]](#footnote-25)).

(...پروردگارا! تو اله منی، معبود برحقی جز تو نیست. مرا آفریدی و من بندۀ تو ام و بر عهد و پیمان تو بقدر توان ایستاده ام، از شر و زشتی آنچه انجام داده ام بتو پناه می جویم، به نعمتت بر خویش و هم بر گناهانم اعتراف دارم، پس مرا بیامرز، زیرا گناهان را جز تو کسی نمی آمرزد. آنکه در روز آن را بگوید در حالیکه به آن یقین دارد و در همان روز پیش از آنکه شب کند بمیرد، او از اهل بهشت است و آنکه در شب آن را بگوید در حالیکه به آن یقین دارد و پیش از آنکه صبح کند، بمیرد، او از اهل بهشت است).

17- توبه کند و حقوق مردم را به ایشان برگرداند و از کسانیکه در حق شان ظلم و تجاوز کرده بخشش بخواهد تا دعایش را الله متعال قبول کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد مردی که دو دست خود را بطرف آسمان بلند کرده و یارب یارب می گوید، فرمودند: در حالیکه طعام او از حرام، و لباس او از حرام و با حرام تغذیه شده چگونه دعایش مستجاب گردد!؟ ([[26]](#footnote-26)).

18- بنده مسلمان باید اوقات و احوالی که در آن دعا مستجاب میگردد را غنیمت بشمارد از الله قادر و توانا جل جلاله با اظهار عاجزی و بیچارگی و مراعات آداب دعا آنچه را میخواهد طلب نماید.

**ساعات و احوالیکه در آن دعا قبول میگردد**

1 ـ دعا در شب قدر:

الله عزوجل میفرماید: ﮋ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﮊ القدر: ٣

(شب قدر بهتر از هزار ماه است......)

رسول الله صلی الله علیه وسلم در پاسخ به سؤال عايشه رضی الله عنها كه پرسيد: در شب قدر چه بگويد، فرمود: «قولي: اللهمَّ إِنَّكَ عَفُوٌ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنيِّ»([[27]](#footnote-27)).

(بگو بار الها! تو بخشايش را دوست داري، پس مرا ببخشاي و بيامرز).

2 ـ دعا در نیم شب و بدنبال نماز های فرض:

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ينزِلُ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَي كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، حِينَ يَبْقَي ثُلُثُ اللَّيْلِ الآخِرِ، يَقُولُ:مَنْ يَدْعُونِـي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ، مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ، مَنْ يَسْتَغْفِرُنِـي فَأَغْفِرَ لَهُ»([[28]](#footnote-28)).

(الله تبارك و تعالي هر شب هنگامي كه يك سوم از شب باقي می ماند، به آسمان دنيا فرود می آيد و مي فرمايد: چه كسي مرا میخواند تا او را اجابت كنم و چه كسي از من چیزی می خواهد تا به او عطا نمايم و چه كسي مرا استغفار مي كند تا گناهان او را ببخشايم).

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم پرسیده شد: «أَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَعُ ؟ قَالَ: جَوْفَ اللَّيْلِ الآخِرِ ، وَدُبُرَ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ**»**([[29]](#footnote-29))**.**

(کدام دعا بیشتر از همه قابل شنیدن و اجابت است؟ فرمودند: در میان و آخر شب و بدنبال نماز های فرض).

3 ـ دعا در بين اذان و اقامه:

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لاَ يُرَدُّ الدُّعَاءُ بَيْنَ الأَذَانِ وَالإِقَامَةِ»([[30]](#footnote-30)).

(دعاي بين اذان و اقامه رد نمیشود).

4- دعا در وقت آذان برای نمازهای فرضی و در وقت جهاد و رویارویی با دشمن:

از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ثِنْتَانِ لاَ تُرَدَّانِ أَوْ قَلَّمَا تُرَدَّانِ: الدُّعَاءُ عِنْدَ النِّدَاءِ وَعِنْدَ الْبَأْسِ حِينَ يُلْحِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا»([[31]](#footnote-31)).

(دو دعا رد نمیشوند یا فرمود: کم رد میشوند: دعا در وقت آذان و در وقت جنگ(جهاد)، هنگامیکه برخی با برخی دیگر درآویز میشوند).

5 ـ ساعت اجابت دعا در روز جمعه:

پيامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «فيهِ ـ يوم الجُمُعةِ ـ سَاَعةٌ لاَ يُوَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي يَسِْأَلُ اللهَ تَعَالَى شَيْئاً إلاَّ أَعْطَاُه إِيَّاهُ»([[32]](#footnote-32)).

(در روز جمـعـه لحظه اي است كه اگر بندۀ مسلمان در آن لحظه دعا كند و از الله عزوجل طلب چيزي نمايد، الله عزوجل حتما دعاي او را اجابت میكند).

و در روایت دیگر آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هيَ بَيْنَ أَنْ يَجْلِسَ الإمَامُ إِلَى أَنْ يَقْضِيَ الصَّلاةَ»([[33]](#footnote-33)) يعني: يجلسُ على المِنْبَرِ.

(آن لحظه، زماني است بين نشستن امام بر منبرتا تمام شدن نماز).

مسأله: ساعت اجابت در روز جمعه چه ساعتي است؟

علامه ابن قيم رحمه الله ترجيح داده است كه ساعت اجابت دعا در روز جمعه، آخرين ساعت عصر است، آن هم پس از ذكر يازده قول در تعيين آن ساعت و لحظه. و به طور كلي دو قول بر ديگر اقوال ترجيح داده شده كه احاديث صحيح بر آن دلالت مي كند؟

اول ـ هنگام نشستن براي خطبه تا تمام شدن نماز جمعه. و دليل آن در صحيح مسلم است كه قبلاً ذكر شد.

دوم ـ اين كه آخرين ساعت از عصر روز جمعه است و بيشتر احاديث بر اين قول دلالت دارد. سپس دليل آن را چنين ذكر كرده است.

روايت امام احمد در مسند كه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ سَاعَةٌ لاَ يُوَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللهَ فِيها خَيْراً إِلاَّ أَعْطَاهُ إِيَّاهُ، وَهِيَ بَعْدَ الْعَصْرِ»([[34]](#footnote-34)).

(در روز جمعه ساعتي است كه هربنده ي مسلمان كه الله را بخواند، الله حتما او را اجابت كند و آن ساعت پس از عصر میباشد).

آن چه امام ابوداود و امام ترمذي و امام نسايي از رسول الله صلی الله علیه وسلم روايت كرده اند كه فرمودند: «يَوْمُ الْجُمُعَة ثِنْتَا عَشْرَةَ ـ يريدُ ساعةً ـ لا يُوجَدُ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللهَ شَيْئاً إِلاَّ آتَاهُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَالْتَمِسُوها آخِرَ ساعَةٍ بَعْدَ العَصْرِ»([[35]](#footnote-35)).

(روز جمعه دوازده ساعت است، هر مسلماني از الله چیزی بخواهد الله عزوجل حتما به او میدهد (حاجت او را روا مي كند)، پس آن را در آخرين ساعت پس از عصر التماس و طلب نمائید).

سپس رحمه الله در پايان چنين فرمود: از ديدگاه من وقت نماز نيز اميد اجابت دعا میرود. پس هردو ساعت، زمان اجابت است، گرچه ساعت پاياني عصر مخصوص اجابت میباشد. و همه ي راويان براين احاديث متفقند و رسول الله صلی الله علیه وسلم امت خود را در اين دو ساعت براي دعاي توأم با زاري و تضرع به سوي الله عزوجل، ترغيب كرده است([[36]](#footnote-36)).

6- دعا در ساعتی از شب:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «إِنَّ فِى اللَّيْلِ لَسَاعَةً لاَ يُوَافِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ خَيْرًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ إِلاَّ أَعْطَاهُ إِيَّاهُ وَذَلِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ»([[37]](#footnote-37)).

(همانا در شب لحظه و ساعتیست که هرگاه مرد مسلمان آن را دریابد و خیری از کار دنیا و آخرت را از الله متعال طلبد، آن را به وی می دهد و آن در هر شب می باشد).

7- در وقت نوشیدن آب زمزم:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمودند: **«**مَاءُ زَمْزَمَ ، لِمَا شُرِبَ لَهُ»([[38]](#footnote-38)).

(آب زمزم به هر نیت و قصدی که نوشیده شود سودمند است).

8- هنگام خواندن این دعا بعد از تکبیره احرام در نماز: (اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً).

عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ بَيْنَمَا نَحْنُ نُصَلِّى مَعَ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- إِذْ قَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- «مَنِ الْقَائِلُ كَلِمَةَ كَذَا وَكَذَا ». قَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ « عَجِبْتُ لَهَا فُتِحَتْ لَهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ». قَالَ ابْنُ عُمَرَ فَمَا تَرَكْتُهُنَّ مُنْذُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ ذَلِكَ([[39]](#footnote-39)).

از عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که فرمود: در اثنائیکه ما با پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نماز می خواندیم مردی از حاضرین گفت: (اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً) (الله تبارک و تعالی برترین و بزرگترین است و همۀ ستایشها به کثرت مخصوص اوست و من صبح و شام او را تسبیح می گویم) رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: گویندۀ این سخن کیست؟ مردی از حاضرین گفت: من یا رسول الله، فرمودند: (تعجب نمودم از این کلمه چون دروازه های آسمان به روی آن باز گردید). ابن عمر رضی الله عنه فرمود: پس از آنکه سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد این کلمه را شنیدم هرگز آنرا ترک نکردم).

9- همچنان در هنگام خواندن این دعا بعد از تکبیر احرام در نماز: « الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ».

عَنْ أَنَسٍ أَنَّ رَجُلاً جَاءَ فَدَخَلَ الصَّفَّ وَقَدْ حَفَزَهُ النَّفَسُ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ. فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- صَلاَتَهُ قَالَ « أَيُّكُمُ الْمُتَكَلِّمُ بِالْكَلِمَاتِ ». فَأَرَمَّ الْقَوْمُ فَقَالَ « أَيُّكُمُ الْمُتَكَلِّمُ بِهَا فَإِنَّهُ لَمْ يَقُلْ بَأْسًا ». فَقَالَ رَجُلٌ جِئْتُ وَقَدْ حَفَزَنِى النَّفَسُ فَقُلْتُهَا. فَقَالَ « لَقَدْ رَأَيْتُ اثْنَىْ عَشَرَ مَلَكًا يَبْتَدِرُونَهَا أَيُّهُمْ يَرْفَعُهَا»([[40]](#footnote-40)).

از انس رضی الله عنه روایت است که مردی وارد صف نماز گردید در حالیکه به سبب تیز آمدن نفس عمیق می کشید گفت: (الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ) وقتی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم نماز را تمام نمود فرمودند:(چه کسی از شما این سخنان را گفت؟) مردم خاموش مانده چیزی نگفتند، سپس آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: :(چه کسی از شما این سخنان را گفت؟ که سخنی بد نگفت). مردی گفت: چون به سرعت آمدم و نفس های عمیق می کشیدم این سخنان را گفتم. آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: «همانا دوازده فرشته را دیدم که بسوی آن پیشی گرفتند تا کسی از ایشان آنرا - بسوی آسمان- بالا ببرد».

10- در وقت خواندن سوره فاتحه در نماز و حضور قلب و دقت و تدبر به آنچه خوانده می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: الله تبارک وتعالی فرمود: «قَسَمْتُ الصَّلاَةَ بَيْنِى وَبَيْنَ عَبْدِى نِصْفَيْنِ وَلِعَبْدِى مَا سَأَلَ فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ ( الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ). قَالَ اللَّهُ تَعَالَى حَمِدَنِى عَبْدِى وَإِذَا قَالَ (الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ). قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَثْنَى عَلَىَّ عَبْدِى. وَإِذَا قَالَ (مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ). قَالَ مَجَّدَنِى عَبْدِى - وَقَالَ مَرَّةً فَوَّضَ إِلَىَّ عَبْدِى - فَإِذَا قَالَ (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ). قَالَ هَذَا بَيْنِى وَبَيْنَ عَبْدِى وَلِعَبْدِى مَا سَأَلَ. فَإِذَا قَالَ (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلاَ الضَّالِّينَ ). قَالَ هَذَا لِعَبْدِى وَلِعَبْدِى مَا سَأَلَ»([[41]](#footnote-41)).

(الله تبارک وتعالی می‏فرماید: من سوره فاتحه را بین خود و بنده‏ام از وسط نصف کرده‏ام و سهم بنده‏ام آن قسمت است که در آن از من می‏خواهد، وقتی که بنده می‏گوید: (الحمد لله رب العالمین) الله بزرگ می‏فرماید: بنده‏ام مرا ستایش کرد، وقتی بنده می‏گوید: (الرحمن الرحیم) الله جل عظمته می‏فرماید: بنده‏ام مرا مورد تمجید و سپاس قرار داد، وقتی بنده می‏گوید: (مالک یوم الدین) الله بزرگ می‏فرماید: بنده‏ام مرا بزرگداشت، و وقتی که می‏گوید: (ایاک نعبد و ایاک نستعین) الله بزرگ می‏فرماید: این سهم من و بنده‏ام است، و بنده‏ام هر چه را بخواهد به او می‏دهم. وقتی بنده بگوید: (اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب و لا الضالین) الله بزرگ می‏فرماید: این سهم بنده‏ام است و هر چه را بخواهد به او می‏دهم).

11- در وقت آمین گفتن در نماز:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِذَا قَالَ الإِمَامُ {غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ ، وَلاَ الضَّالِّينَ} فَقُولُوا آمِينَ ، فَإِنَّهُ مَنْ وَافَقَ قَوْلُهُ قَوْلَ الْمَلاَئِكَةِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»([[42]](#footnote-42)).

(وقتی امام ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ ، وَلاَ الضَّالِّينَ﴾ گفت: شما آمین بگویید همانا آنکه آمین گفتنش با آمین گفتن فرشتگان توافق کند، گناهان گذشته اش آمرزیده میشود).

12- در وقت بلند شدن از رکوع و گفتن(رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ).

عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ رَافِعٍ الزُّرَقِيِّ قَالَ : كُنَّا يَوْمًا نُصَلِّي وَرَاءَ النَّبِيِّ : فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرَّكْعَةِ ، قَالَ : سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ ، قَالَ رَجُلٌ وَرَاءَهُ : رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ ، فَلَمَّا انْصَرَفَ ، قَالَ : «مَنِ الْمُتَكَلِّمُ ؟» قَالَ : أَنَا ، قَالَ : «رَأَيْتُ بِضْعَةً وَثَلاَثِينَ مَلَكًا يَبْتَدِرُونَهَا ، أَيُّهُمْ يَكْتُبُهَا أَوَّلُ»([[43]](#footnote-43)).

(از رفاعه بن رافع الزرقی روایت است که گفت: روزی پشتسر پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نماز می خواندیم، وقتی سر شان را از رکوع بلند نمودند فرمودند:(سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ) شخصی بدنبال ایشان گفت: (رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ) وقتی نماز را تمام نمودند فرمودند: «چه کسی سخن گفت؟» آن مرد گفت: من ، فرمودند: سی و چند فرشته را دیدم که بسوی آن پیشی گرفتند تا یکی شان آنرا اول بنویسد).

13- در وقت سجود:

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِن رَّبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ، فَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ»([[44]](#footnote-44)).

(نزديك ترين جاي بنده به الله عزوجل در حال سجود است پس در آن بسيار دعا كنيد).

14- پس از درود فرستادن بر رسول الله صلی الله علیه وسلم در تشهد اخیر:

عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَاعِدًا إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَصَلَّى فَقَالَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِى وَارْحَمْنِى. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهَ -صلى الله عليه وسلم- « عَجِلْتَ أَيُّهَا الْمُصَلِّى إِذَا صَلَّيْتَ فَقَعَدْتَ فَاحْمَدِ اللَّهَ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ وَصَلِّ عَلَىَّ ثُمَّ ادْعُهُ ». قَالَ ثُمَّ صَلَّى رَجُلٌ آخَرُ بَعْدَ ذَلِكَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَصَلَّى عَلَى النَّبِىِّ -صلى الله عليه وسلم- فَقَالَ لَهُ النَّبِىُّ -صلى الله عليه وسلم- « أَيُّهَا الْمُصَلِّى ادْعُ تُجَبْ»([[45]](#footnote-45)).

از فضاله بن عبید رضی الله عنه روایت است که گفت: در حالیکه پيامبراکرم صلی الله علیه وسلم نشسته بودند مردی وارد مسجد شد و گفت: (اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِى وَارْحَمْنِى) آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: (اي نمازگزار! عجله كردي. هرگاه نماز خواندی و نشستي، الله را به آن چه سزاوار است ستايش كن و بر من درود بفرست، سپس الله را دعا كن).

سپس مردی دیگر نماز خواند و الله عزوجل را ستايش نمود و بر پیامبر صلی الله علیه وسلم درود فرستاد، آنحضرت به وی فرمودند: (اي نمازگزار! دعا كن كه دعايت اجابت مي شود).

15- قبل از سلام دادن و گفتن(اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ الأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِى لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ أَنْ تَغْفِرَ لِى ذُنُوبِى إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ):

دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- الْمَسْجِدَ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ قَدْ قَضَى صَلاَتَهُ وَهُوَ يَتَشَهَّدُ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ الأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِى لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ أَنْ تَغْفِرَ لِى ذُنُوبِى إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. قَالَ فَقَالَ « قَدْ غُفِرَ لَهُ قَدْ غُفِرَ لَهُ»([[46]](#footnote-46)).

(روزی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم وارد مسجد شدند که نگاه مردی شد که نماز ادا می کرد و در تشهد اخیر نشسته و می گوید: پروردگارا! من از تو میخواهم ای الله یگانۀ بی نیاز که کسی را نزاده و زاده نشده و هیچ کس او را همتا نیست اینکه گناهانم را ببخشایی چرا که تو بخشندۀ مهربان هستی. آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند:( بی گمان بخشیده شد، بخشیده شد).

16- همچنان قبل از سلام دادن و گفتن: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ، بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ ، يَا ذَا الْجِلاَلِ وَالإِكْرَامِ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ».

عَنْ أَنَسٍ ، قَالَ : كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَالِسًا ، يَعْنِي وَرَجُلٌ قَائِمٌ يُصَلِّي ، فَلَمَّا رَكَعَ وَسَجَدَ وَتَشَهَّدَ دَعَا ، فَقَالَ : فِي دُعَائِهِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ، بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ ، يَا ذَا الْجِلاَلِ وَالإِكْرَامِ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ ، إِنِّي أَسْأَلُكُ ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لأَصْحَابِهِ : «تَدْرُونَ بِمَا دَعَا ، قَالُوا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ ، قَالَ : وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ دَعَا بِاسْمِهِ الْعَظِيمِ ، الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ ، وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أَعْطَى»([[47]](#footnote-47)).

(از حضرت انس ابن مالک رضی الله عنه روایت شده که گفت: شنیدم رسول الله صلی الله علیه وسلم از شخصی که میگفت: (دردعای نماز) ای بار الها! من از تو سوال میکنم، باینکه (همۀ) ثناها و ستایش از آنِ توست. نیست معبودی به حق جز تو، تویی بسیار بخشایندۀ مهربان و نیکویی کننده، ایجاد گر آسمان ها و زمین، صاحب بزرگی و احترام، ای ذات زنده و خود پاینده، از تو سوال میکنم، آنحضرت فرمود: او الله را باسم اعظم او سوال نموده است چنان اسم اعظم که اگر به آن سوال شود داده شود و اگر به آن دعا شود اجابت گردد).

17- پس از وضو کردن و گفتن: «أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَتَوَضَّأُ فَيُحْسِنُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَقُولُ حِينَ يَفْرُغُ مِنْ وُضُوئِهِ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ إِلاَّ فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةُ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ»([[48]](#footnote-48)).

(هیچکدام شما نیست که وضو بگیرد و آن را برساند یا کامل نماید سپس بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ – مگر اینکه تمام هشت دروازۀ بهشت بروی او باز میگردد تا از هرکدام که بخواهد داخل گردد).

18- دعای مسلمان برای برادر مسلمان خصوصادرغیاب او:

از رسول کریم صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «دَعْوَةُ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ لأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ مُسْتَجَابَةٌ عِنْدَ رَأْسِهِ مَلَكٌ مُوَكَّلٌ كُلَّمَا دَعَا لأَخِيهِ بِخَيْرٍ قَالَ الْمَلَكُ الْمُوَكَّلُ بِهِ آمِينَ وَلَكَ بِمِثْلٍ»([[49]](#footnote-49)).

(دعای شخص مسلمان برای برادرش و در غیاب وی مستجاب است. در بالای سرش فرشته ای موظف است که هرگاه برای برادرش دعای خیر کند فرشتۀ موظف به او میگوید: آمین و برای تو مانند آن باد).

19- در هنگام بلند شدن از خواب و گفتن: «لاََ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللهِ ، وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، وَلاَ حَوْلَ ، وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي».

عن عُبَادَةُ بْنُ الصَّامِتِ ، عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم قَالَ : «مَنْ تَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ فَقَالَ : لاََ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللهِ ، وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، وَلاَ حَوْلَ ، وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ، أَوْ دَعَا اسْتُجِيبَ فَإِنْ تَوَضَّأَ وَصَلَّى قُبِلَتْ صَلاَتُهُ»([[50]](#footnote-50)).

از عباده بن صامت رضی الله عنه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم روایت است که فرمودند: (کسی که در شب از خواب بر خاسته و بگوید: (لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد، و هو علی کل شیء قدیر، الحمدلله، و سبحان الله، و لا اله الا الله، و الله أکبر، و لا حول و لا قوه الا بالله) و بعد از آن از الله عزوجل طلب آمرزش نماید، و یا چیزی بخواهد، طلبش اجابت می گردد، و اگر وضوء بسازد و نماز بخواند، نمازش قبول می شود).

20- در هنگام خواندن این دعا:(لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّى كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ):

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « دَعْوَةُ ذِى النُّونِ إِذْ دَعَا وَهُوَ فِى بَطْنِ الْحُوتِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّى كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَإِنَّهُ لَمْ يَدْعُ بِهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ فِى شَىْءٍ قَطُّ إِلاَّ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ »([[51]](#footnote-51)).

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «دعای ذا النون(یونس علیه السلام) هنگامیکه در شکم نهنگ آنرا خواند(لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّى كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ) بارالها! (معبودی –برحق- جز تو نیست، منزهی تو، به راستی که من از ستمکاران بودم) هیچ شخص مسلمان نیست که در چیزی به این دعا، دعا کند مگر اینکه برای او اجابت می شود».

21- در هنگام مصیبت وقتی این دعا خوانده شود:«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اللَّهُمَّ أْجُرْنِى فِى مُصِيبَتِى وَأَخْلِفْ لِى خَيْرًا مِنْهَا».

عن أُمَّ سَلَمَةَ زَوْجَ النَّبِىِّ -صلى الله عليه وسلم- تَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ « مَا مِنْ عَبْدٍ تُصِيبُهُ مُصِيبَةٌ فَيَقُولُ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اللَّهُمَّ أْجُرْنِى فِى مُصِيبَتِى وَأَخْلِفْ لِى خَيْرًا مِنْهَا إِلاَّ أَجَرَهُ اللَّهُ فِى مُصِيبَتِهِ وَأَخْلَفَ لَهُ خَيْرًا مِنْهَا ». قَالَتْ فَلَمَّا تُوُفِّىَ أَبُو سَلَمَةَ قُلْتُ كَمَا أَمَرَنِى رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَأَخْلَفَ اللَّهُ لِى خَيْرًا مِنْهُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم-([[52]](#footnote-52)).

(از ام سلمه رضی الله عنها همسر رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود: از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که می فرمود: «هیچ بنده ای نیست که به مصیبتی گرفتار شود و بگوید: - انا لله و انا الیه راجعون- (همانا ما از آن الله ایم و همانا ما بسوی او باز گردندگانیم) الها! مرا در مصیبتم مزد داده و برایم از او بهتری عوض ده. مگر اینکه الله عزوجل او را در مصیبتش مزد داده و عوض بهتری برای او می دهد». گفت : چون ابو سلمه وفات یافت چنانکه رسول الله صلی الله علیه و سلم مرا امر کرده بود گفتم و الله متعال عوضی نیکوتر از او، رسول الله صلی الله علیه و سلم را به من داد).

22- دعا در وقت باریدن باران:

از پیامبر اکرم روایت است که فرمودند: «ثِنْتَانِ لاَ تُرَدَّانِ ، أَوْ قَالَ : قَلَّ مَا تُرَدَّانِ ، الدُّعَاءُ عِنْدَ النِّدَاءِ ، أَوْ عِنْدَ الْبَأْسِ حِينَ يُلْحِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا. قَالَ مُوسَى بْنُ يَعْقُوبَ وَحَدَّثَنِي رِزْقُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَدَنِيُّ عَنْ أَبِي حَازِمٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : وَتَحْتَ الْمَطَرِ. هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحُ الإِسْنَادِ وَلَمْ يُخَرِّجَاه([[53]](#footnote-53))ُ.

(دو دعا رد نمیشود یا فرمودند: کم رد میشوند: دعا در وقت اذان و در وقت جنگ، هنگامیکه برخی با برخی دیگر درآویز می شوند) و در روایت سعد رضی الله عنه (و زیر باران).

23- دعای مردم به شخص مرده:

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- عَلَى أَبِى سَلَمَةَ وَقَدْ شَقَّ بَصَرُهُ فَأَغْمَضَهُ ثُمَّ قَالَ « إِنَّ الرُّوحَ إِذَا قُبِضَ تَبِعَهُ الْبَصَرُ ». فَضَجَّ نَاسٌ مِنْ أَهْلِهِ فَقَالَ « لاَ تَدْعُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ إِلاَّ بِخَيْرٍ فَإِنَّ الْمَلاَئِكَةَ يُؤَمِّنُونَ عَلَى مَا تَقُولُونَ ». ثُمَّ قَالَ « اللَّهُمَّ اغْفِرْ لأَبِى سَلَمَةَ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِى الْمَهْدِيِّينَ وَاخْلُفْهُ فِى عَقِبِهِ فِى الْغَابِرِينَ وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَافْسَحْ لَهُ فِى قَبْرِهِ. وَنَوِّرْ لَهُ فِيهِ»([[54]](#footnote-54)).

(از ام سلمه رضی الله عنها روایت شده که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم بر ابو سلمه وارد شد در حالیکه چشمانش باز مانده بود پس آن را پوشیده و فرمود: چون روح قبض شود چشم بدنبالش می نگرد و عده ای از خانواده اش بصدای بلند گریستند. آنحضرت فرمود: بر خویش جز دعای خیر مکنید زیرا فرشتگان بدانچه می گوئید آمین می گویند و سپس فرمود: اللهم اغفر لابی سلمه...... بار الها! ابو سلمه را بیامرز و مرتبه اش را در میان هدایت شدگان بلند نما و بر کسانی که از وی مانده اند تو سرپرستی کن و ای پروردگار عالمیان! ما را و او را بیامرز و قبرش را بر وی گشاده کن و آن را برایش روشن بدار).

24- دعاي مظلوم:

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم وقتي معاذ رضی الله عنه را به يمن فرستاد به او فرمود: «... وَاتَّقِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللهِ حِجَابٌ»([[55]](#footnote-55)).

(از دعاي مظلوم بپرهيز؛ زيرا كه بين دعاي او و الله عزوجل، حجاب و پرده اي نيست).

25- دعای پدر بر فرزند و دعای مسافر:

به دلیل فرمودۀ پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم: «ثلاَثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَاباَتٌ لاَ شَكَّ فِيهِنَّ: دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ، وَدَعْوَةُ الْمُسَافِرِ، وَدَعْوَةُ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ»([[56]](#footnote-56)).

(سه دعا بدون شك مورد قبول است: دعاي مظلوم دعاي مسافر و دعاي پدر بر فرزند خود).

26- دعای پدر به فرزند و دعای روزه دار:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند: « ثَلاَثُ دَعَوَاتٍ لاَ تُرَدُّ: دَعْوَةُ الْوَالِدِ لولده ، وَدَعْوَةُ الصَّائِمِ وَدَعْوَةُ الْمُسَافِرِ»([[57]](#footnote-57)).

(دعاي سه نفر رد نمیشود: دعای پدر به فرزندش، دعای روزه دار، و دعای مسافر).

27- دعای حاکم عادل:

از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «الإِمَامُ الْعَادِلُ لاَ تُرَدُّ دَعْوته»([[58]](#footnote-58)).

(دعاي حاكم عادل رد نمیشود).

28- دعا در روز عرفه:

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خيرُ الدُّعَاءِ دُعَاءُ يَوْمِ عَرَفَةَ، وَخَيْرُ مَا قُلْتُ أَنَاْ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ قَبْلِي: لاَ إلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»([[59]](#footnote-59)).

(بهترين دعا، دعاي روزعرفه است و بهترين چيزي كه من و پيامبران قبل از من گفتند، اين است: "لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).

29- دعاي بيچارگان:

الله جل جلاله میفرمايد: ﮋ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡﯢ ﯣ ﯤ ﯥﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﮊ النمل: ٦٢

(آن كيست كه دعاي بيچارگان تنگدست را اجابت میكند و رنج و غم آن ها را برطرف مینمايد و شما مسلمانان را جانشينان روي زمين قرار میدهد؟ آيا با وجود الله يكتا، الهي هست؟ (هرگز نيست) ليكن اندكي مردم متذكر و باخبر از اين حقيقتند).

خواننده ي عزيز! انسان مومن براين حالات و لحظات و فرصت ها حريص میشود و آن ها را غنيمت مي شمارد؛ چرا كه اميد اجابت دعا در اين مواقع هست و سود و بهره گرفتن از آن نزديك است. پس از الله متعال ياري بخواه و عاجز مشو و بر آن چه به تو نفع و فايده میرساند، حريص باش؛ كه مؤمن زيرك و هوشيار است.

**چرا دعا قبول نمیگردد؟**

**1- شتاب و** عجله در دعا:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «يُسْتَجَابُ لأَحَدِكُمْ مَا لَمْ يَعْجَلْ فَيَقُولُ قَدْ دَعَوْتُ فَلاَ أَوْ فَلَمْ يُسْتَجَبْ لِى»([[60]](#footnote-60)).

و در روایت امام مسلم: «لاَ يَزَالُ يُسْتَجَابُ لِلْعَبْدِ مَا لَمْ يَدْعُ بِإِثْمٍ أَوْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ ». قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الاِسْتِعْجَالُ قَالَ « يَقُولُ قَدْ دَعَوْتُ وَقَدْ دَعَوْتُ فَلَمْ أَرَ يَسْتَجِيبُ لِى فَيَسْتَحْسِرُ عِنْدَ ذَلِكَ وَيَدَعُ الدُّعَاءَ»([[61]](#footnote-61)).

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: (اجابت می شود برای یکی از شما تا مادامیکه شتاب نکند که بگوید: به پروردگارم دعا کردم ولی دعایم پذیرفته نشد). و در روایتی از امام مسلم آمده که: (همیشه برای بنده اجابت می شود تا به گناه و قطع صلۀ رحم دعا نکند بشرطیکه شتاب و عجله ننماید. گفته شد: یا رسول الله! شتاب چیست؟ فرمودند: میگوید: همانا دعا کردم و دعا کردم و ندیدم که برایم اجابت کند، پس در این اثناء خسته شده و دعا را ترک میکند).

خوانندۀ گرامی! چون الله جل جلاله برای هر چیز وقتی معین قرار داده، که از آن پیش و پس نمی شود. از اینرو شتاب و عجله در دعا درست نیست و چه بسا که اثرات دعا را از میان می برد.

2- حکمت الهی:

عن عُبَادَةَ بْنَ الصَّامِتِ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:« مَا عَلَى الأَرْضِ مُسْلِمٌ يَدْعُو اللَّهَ بِدَعْوَةٍ إِلاَّ آتَاهُ اللَّهُ إِيَّاهَا أَوْ صَرَفَ عَنْهُ مِنَ السُّوءِ مِثْلَهَا مَا لَمْ يَدْعُ بِإِثْمٍ أَوْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ»، فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ القَوْمِ: إِذًا نُكْثِرُ ، قَالَ:«اللَّهُ أَكْثَرُ»([[62]](#footnote-62)). حاکم این عبارت را در روایتش افزوده است: «أو يدخر له من الأجر مثلها»([[63]](#footnote-63)).

از عباده بن صامت رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «بر روی زمین مسلمانی نیست که دعایی به دربار الله عزوجل نماید مگر اینکه الله تعالی آن را بوی میدهد یا مثل آن از بدی را از وی دور می گرداند. مادامیکه به گناه و قطع صلۀ رحم دعا نکند. مردی از آن گروه گفت: ازین پس زیاد دعا میکنیم. فرمودند: الله بیشتر (یعنی احسان او تعالی از در خواست شما زیادتر است) .

حاکم در روایتش افزوده: (یا ذخیره کند برای او مثل پاداش او را).

3- دعا به گناه و قطع صلۀ رحم: به دلیل حدیث فوق.

4- خوردن و نوشیدن و پوشیدن از مال حرام:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم میفرمایند: «....الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ، أَشْعَثَ أغْبَرَ، يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ، يَارَبِّ، يَارَبِّ، وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ، وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ، وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ، وَغُذِيَ بِالْحَرَامِ، فَأَنّى يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ؟!»([[64]](#footnote-64)).

(رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از مردي ياد كردند كه سفر خود را طولاني میكند و با مويي پريشان و رويي گردآلود دو دستش را به سوي آسمان بلند كرده، میگويد: پروردگارا! پروردگارا! در حالي كه غذايش حرام، آبش حرام، لباسش حرام و تغذيه شده است به حرام پس چگونه الله متعال دعاي او را اجابت كند (الله عزوجل دعاي چنين بندگاني را اجابت نمیكند).

5- عدم یقین در اجابت دعا اینکه آیا الله تعالی دعایش را خواهد پذیرفت یا نه؟:

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيَعْزِمِ الْمَسْأَلَةَ، وَلاَ يَقُولَنَّ: اللّهُمَّ إِنْ شِئْتَ فَأَعْطِنِي، فَإِنَّهُ لاَ مُسْتَكْرِهَ لَهُ»([[65]](#footnote-65)).

(هرگاه يكی از شما دعا كرد، در دعا كردن عزم و اراده كند و نبايد بگويد: پروردگارا! اگر خواستي به من بده؛ زیرا کسی الله جل جلاله را به انجام دادن کاری مجبور کرده نمیتواند).

6- ترک نمودن امر به معروف و نهی از منکر:

عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ عَنِ النَّبِىِّ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ « وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوُنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُوشِكَنَّ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْهُ ثُمَّ تَدْعُونَهُ فَلاَ يُسْتَجَابُ لَكُمْ ». قَالَ أَبُو عِيسَى هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ([[66]](#footnote-66)).

از حذیفه رضی الله عنه از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست همانا به کارهای پسندیده امر نموده و از کارهای ناپسندیده منع می کنید یا نزدیک است که الله عزوجل بر شما عذابی از نزد خویش بفرستد و سپس او را بخوانید و او دعای شما را اجابت نکند».

7- غلبه نمودن غفلت و عیش و عشرت بر نفس و پیروی از هوا و هوس:

الله متعال می فرماید: ﮋ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖﯗ ﮊ الرعد: ١١

(الله عزوجل حال و وضع هیچ گروهی را تغیر نمی دهد مگر اینکه آنان احوال خود را تغیر دهند)

8- دعا در حال غفلت دل و اشتغال ذهن:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در حدیثی میفرمایند: «...وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لاَ يَسْتَجِيبُ دُعَاءً مِنْ قَلْبٍ غَافِلٍ لاَهٍ»([[67]](#footnote-67)).

(...و بدانید که الله عزوجل دعایی را از قلب غافل و مشغول اجابت نمی کند).

9- ارتکاب بعضی گناهان:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم میفرمایند: «ثَلاَثَةٌ يَدْعُونَ اللَّهَ فَلاَ يُسْتَجَابُ لَهُمْ رَجُلٌ كَانَتْ تَحْتَهُ امْرَأَةٌ سَيِّئَةُ الْخُلُقِ فَلَمْ يُطَلِّقْهَا وَرَجُلٌ كَانَ لَهُ عَلَى رَجُلٍ مَالٍ فَلَمْ يُشْهِدْ عَلَيْهِ وَرَجُلٌ آتَى سَفِيهًا مَالَهُ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (وَلاَ تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمْ)»([[68]](#footnote-68)).

(سه کس اند که الله عزوجل را می خوانند لکن دعای شان اجابت نمیگردد: مردی که زنی بد اخلاق دارد و او را طلاق نمیکند. و مردی که بر شخصی قرض دارد و کسی را بر وی شاهد نگرفته. و مردی که به نادانی و کم خردی مال خویش را داده است. در حالیکه الله عزوجل میفرماید: (اموال کم خردان را که در اصل اموال شما است به خود آنان تحویل ندهید).

**چرا پیروزی مسلمانان به تاخیر می افتد؟**

با آن که امت اسلامی، بویژه کسانی که به ناحق مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند و از خانه و کاشانۀ خود اخراج شده اند به جرم این که می گویند: پروردگار ما الله عزوجل است. و شب و روز دست به دعا و نیایش اند تا پیروزی نصیب شان گردد لیکن این پیروزی به تأخیر می افتد. البته این کندی چه بسا برای حکمتی باشد که الله عزوجل آن را خواسته است.

و چه بسا پیروزی امت مسلمان بدان خاطر به تاخیر می افتد که بنیۀ آن با وجود رشد و نمو پیدا کردن هنوز پخته و رسیده نگردیده است، و با جود رسیدن به مرحلۀ بلند هنوز کامل نشده است، و هنوز نیروهایشان جمع و جور نگردیده و رویهم اندوده و انباشته نشده است، و همۀ سلولهایشان آماده و مجهز نگردیده است تا نیروها و استعداد های ذخیره شده در آنها شناخته شود. اگر در این وقت همچون ملتی به پیروزی دسترسی پیدا کند آن را هرچه زودتر از دست می دهد، بدان سبب که قدرت حفاظت و حمایت طولانی آن را ندارد!

گاهی هم پیروزی ایشان به تعویق می افتد تا ملت مسلمان آخرین نیروئی را که در توان دارد، و آخرین اندخته ای که دارد، بذل این کار کند، و همۀ چیز های قیمتی و گرانبها را در راه الله عزوجل سهل و ساده فدا کند و ناچیز و بی ارزش انگارد.

چه بسا پیروزی به کندی صورت پذیرد تا ملت مؤمن آخرین نیروهای خود را تجربه کند، و بداند و متوجه شود که این نیروها به تنهائی و بدون پشتیبانی الله توانا ضامن پیروزی نیست. پیروزی از سوی الله عزوجل فرامی رسد وقتی که ملت مسلمان آخرین چیزی را بذل کند که در توان دارد، و بعد از آن کار و بار خود را به الله متعال واگذارد و بر او توکل نماید.

گاهی پیروزی کندی می گیرد تا ملت مسلمان پیوند خود را با الله متعال بیشتر کند در آن حال و احوالی که رنج می کشد و درد می کشد و آنچه دارد می بخشد، و پشتیبان و تکیه گاهی جز الله برای خود نمی یابد و نمی بیند، و در هنگام بلا و زیان و ضرر جز به الله رو نمی کند، و از حق و عدل و خیری منحرف نمی شود و کناره گیری نمی نماید که الله در پرتو آنها پیروزی را بدو بخشیده است.

گاهی پیروزی کندی می پذیرد چون ملت مسلمان هنوز در مبارزات و بذل و فداکاریها و جان نثاریهای خود تنها الله را در نظر نداشته است و فقط برای دعوت او نبوده است. بلکه جنگیده است برای غنائمی که بدست آورده، یا جنگیده است تا مردانگی و قهرمانی خود را بنمایاند و از خویشتن دفاع نموده، یا جنگیده است تا شجاعت و دلیری خود را به دشمنان نشان دهد. الله تعالی می خواهد جهاد تنها برای او و در راه او باشد و بس. و زدوده از همۀ احساسات و اندیشه های دیگری باشد که بدان می آمیزد. از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و سلم پرسیده شد: یکی می جنگد تا غیرت خود را بنمایاند. دیگری می جنگد تا دلیری کند و شجاعت نشان دهد. کسی هم می جنگد تا ریا نماید و کار خود را به دیگران نشان دهد. کدامیک از اینها در راه الله است؟ فرمودند: «مَنْ قَاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللهِ»([[69]](#footnote-69)).

(کسی که بجنگد تا سخن الله والائی و برتری گیرد ، او در راه الله عزوجل می باشد).

همچنین گاهی پیروزی کندی می گیرد، چون در دشمنی که ملت مسلمانان با آن می جنگد هنوز چیزی از خیر و خوبی در لابلای آن مانده است، و الله می خواهد آن اندک خیر را نیز در شر بپالاید و شر جدا شود و تک و تنها نابود گردد، و ذره ای از خیر با شر نماند و در وسط آن هدر نرود و بیهوده نابود نشود.

گاهی پیروزی به کندی صورت می پذیرد، بدان علت که باطلی که ملت مسلمان با آن می رزمد هنوز انحراف آن کاملا برای مردمان روشن و واضح نگردیده است.

اگر در این وقت مسلمانان بر آن غلبه کنند و چیره شوند کسانی که گول آن باطل را خورده اند آن را کمک نمایند و یار و مددکارش شوند، چون هنوز قانع نگردیده اند و روشن نشده اند که آن باطل دارای فساد است و باید از میان برداشته شود. در نتیجه ریشه هائی در دلها و درونهای افراد پاکی بدواند که حقیقت برایشان پیدا و هویدا نگردیده است.

گاهی هم پیروزی دیر حاصل می گردد، بدان خاطر که محیط هنوز شایان استقبال از حق و خیر و عدلی را ندارد که ملت مسلمان آنها را ترسیم و جلوه گر می سازد و مجسم می دارد. اگر ملت مسلمان در این وقت پیروز گردد با دشمنانگی و آشوب محیط رویاروی می شود، دشمنانگی و آشوبی که با آن برای ملت مسلمان آرام و قراری نخواهد بود. لذا مبارزه بر دوام می ماند تا دلها و درونهای مردمان پیرامون آن آمادگی استقبال از حق مظفر و معزز را پیدا می کنند وتوانائي پذیرۀ حق رفتن و قدرت ماندگاری بر آن را خواهند داشت.

به خاطر همۀ این چیزهای دیگری است که تنها الله عزوجل از آنها آگاه است, پیروزی به تأخیر می افتد و دیر به دست می آید, وجان نثاریها و فداکاریها چندین برابر می گردد, و دردها و رنجها فزون تر و بیشتر می شود. و الله عزوجل از کسانی دفاع خواهد کرد که ایمان آورده اند, و در نهایت پیروزی سر می رسد وتحقق پیدا می کند([[70]](#footnote-70)).

**برخی از احادیث ضعیف و جعلی در مورد دعا**

**1-** (توسلوا بجاهی فان جاهی عند الله عظیم). این حدیث اصل و اساس ندارد.

سخن علما در مورد این حدیث:

أ- شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله:

وی در کتاب (توسل) نگاشته است: بدون شک مقام و منزلت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نزد الله متعال بسیار بزرگ است. اوتعالی موسی علیه السلام را در کتاب خویش چنین وصف نموده (وکان عند الله وجیها) و چنانکه معلوم است پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم افضل تر از موسی علیه السلام است و بدون شک وجیه تر از موسی نزد الله سبحان می باشد. و این یک مسأله است و مسألۀ توسل به جاه ایشان موضوعی دیگر است زیرا مخلوق میتواند شفاعت مخلوقی دیگر را بدون اجازۀ مخلوق نماید. اما هیچ کسی بدون اذن و اجازۀ الله متعال شفاعت کسی را کرده نمیتواند([[71]](#footnote-71)).

ب- علامه البانی رحمه الله:

علامه البانی در سلسلۀ احادیث ضعیفه و موضوعه شماره(22) جلد اول در مورد آن فرموده است: این حدیث اصل ندارد.

2- (الدعاء سلاح المومن و عماد الدین و نور السماوات و الارض) حدیث جعلی.

سخن علما در مورد این حدیث:

أ- هیثمی در کتاب المجمع 10/147 در مورد آن فرموده: این حدیث از روایت ابو یعلی است و در سند آن محمد بن الحسن بن ابی یزید وجود دارد که متروک است.

ب- علامه البانی در سلسلۀ احادیث ضعیفه و موضوعه شماره (179) در مورد این حدیث چنین فرموده است:

اول اینکه در سند آن بین علی بن الحسین و جد او علی بن ابی طالب رضی الله عنه انقطاع وجود دارد چنانکه ذهبی در المیزان نگاشته است.

دوم اینکه مراد از محمد بن الحسن همدانی صدوق معروف نیست، بلکه مراد، محمد بن الحسن بن ابی یزید همدانی کذاب است چنانکه حاکم رحمه الله فرموده است.

3- (کان رسول الله صلی الله علیه وسلم اذا رفع یدیه فی الدعاء لم یحطهما حتی یمسح بهما وجهه) این حدیث ضعیف است.

سخن علما در مورد این حدیث:

أ- امام نووی رحمه الله در کتاب الاذکار صفحه 355 فرموده: سند این حدیث ضعیف است.

ب- علامه البانی رحمه الله در مشکاه المصابیح2/696 فرموده: در مورد مسح نمودن صورت بعد از دعا حدیث صحیحی وجود ندارد طوریکه در کتاب ارواء الغلیل شماره 426- 427 در مورد آن تحقیق نموده ام.

4- (الدعاء مخ العباده).

علامه البانی رحمه الله در مشکاه فرموده است: در سند آن ابن لهیعه وجود دارد که در حفظ احادیث کٌند و ضعیف بود.

5- (حسبی من سوالی علمه بحالی) این حدیث اصل ندارد.

سخن علما در مورد این حدیث:

أ- بغوی در تفسیر سورۀ الانبیاء به ضعیف بودن این حدیث اشاره نموده است.

ب- ابن عراق در کتاب(تنزیه الشریعه المرفوعه عن الاخبار الشنیعه الموضوعه) سخن شیخ الاسلام ابن تیمیه مبنی بر جعلی بودن این حدیث را نقل نموده است.

ج- علامه البانی این حدیث را در سلسلۀ احادیث ضعیفه و موضوعه با شمارۀ (21) درج نموده است.

**دعا هایی که مسلمان از آن منع شده است**

1- خواستن مجازات اخروی در دنیا

عَنْ أَنَسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- عَادَ رَجُلاً مِنَ الْمُسْلِمِينَ قَدْ خَفَتَ فَصَارَ مِثْلَ الْفَرْخِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « هَلْ كُنْتَ تَدْعُو بِشَىْءٍ أَوْ تَسْأَلُهُ إِيَّاهُ ». قَالَ نَعَمْ كُنْتُ أَقُولُ اللَّهُمَّ مَا كُنْتَ مُعَاقِبِى بِهِ فِى الآخِرَةِ فَعَجِّلْهُ لِى فِى الدُّنْيَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « سُبْحَانَ اللَّهِ لاَ تُطِيقُهُ - أَوْ لاَ تَسْتَطِيعُهُ - أَفَلاَ قُلْتَ اللَّهُمَّ آتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ». قَالَ فَدَعَا اللَّهَ لَهُ فَشَفَاهُ([[72]](#footnote-72)).

( از انس رضی الله عنه روایت است که روزی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به زیارت بیماری رفتند که از شدت مرض و ناتوانی مانند چوچۀ پرنده گشته بود. آنحضرت صلی الله علیه وسلم بوی فرمودند: (آیا چیزی دعا می کردی یا از الله چیزی می خواستی؟) گفت: بله. میگفتم: بارالها! مجازات اخرویم را اکنون در دنیا برایم نصیب فرما. آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: سبحان الله، طاقت آنرا نداری- یا فرمودند:توان آنرا نداری- چرا نگفتی: (پروردگارا! برای ما در دنیا خوبی بده و در آخرت خوبی بده و ما را از عذاب دوزخ رهایی بخش). انس رضی الله عنه فرمود: پیامبر صلی الله علیه وسلم از الله جل جلاله برایش دعای صحت خواست و الله او را شفا بخشید.

2- آرزوی مرگ:

عَنْ قَيْسِ بْنِ أَبِى حَازِمٍ قَالَ دَخَلْنَا عَلَى خَبَّابٍ وَقَدِ اكْتَوَى سَبْعَ كَيَّاتٍ فِى بَطْنِهِ فَقَالَ لَوْمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- نَهَانَا أَنْ نَدْعُوَ بِالْمَوْتِ لَدَعَوْتُ بِهِ([[73]](#footnote-73)).

(از قیس بن ابی حازم رضی الله عنه روایت است که فرمود: در حالی بر خباب رضی الله عنه وارد شدیم که هفت جای شکم خویش را داغ نموده بود و فرمود: اگر رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را از آرزو کردن مرگ منع نمی کرد، من مرگ خود را طلب می کردم).

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم : «لاَ يَتَمَنَّيَنَّ أَحَدُكُمُ الْمَوْتَ مِنْ ضُرٍّ أَصَابَهُ فَإِنْ كَانَ لاَ بُدَّ فَاعِلاً فَلْيَقُلِ اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا كَانَتِ الْحَيَاةُ خَيْرًا لِي وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي»([[74]](#footnote-74)).

و از انس رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: (هیچ کسی نباید به سبب بیماریی مرگ خود را طلب کند، اگر ناچار است تنها بگوید: پروردگارا! تا وقتی زندگی برایم بهتر است مرا زنده نگهدار، و وقتی که مرگ برایم بهتر باشد مرا بمیران).

3- لعنت کردن انسانی معین یا چارپایی معین:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند:« لَيْسَ الْمُؤْمِنُ بِالطَّعَّانِ وَلاَ اللَّعَّانِ وَلاَ الْفَاحِشِ وَلاَ الْبَذِىءِ»([[75]](#footnote-75)).

(مومن طعنه زننده و لعنتگر و بدگفتار و دشنامگو نیست).

همچنان پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند:«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا لَعَنَ شَيْئًا صَعِدَتِ اللَّعْنَةُ إِلَى السَّمَاءِ فَتُغْلَقُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ دُونَهَا ، ثُمَّ تَهْبِطُ إِلَى الأَرْضِ فَتُغْلَقُ أَبْوَابُهَا دُونَهَا ، ثُمَّ تَأْخُذُ يَمِينًا وَشِمَالاً ، فَإِذَا لَمْ تَجِدْ مَسَاغًا رَجَعَتْ إِلَى الَّذِي لُعِنَ ، فَإِنْ كَانَ لِذَلِكَ أَهْلاً وَإِلاَّ رَجَعَتْ إِلَى قَائِلِهَا».

(هرگاه بنده چیزی را لعنت کند , لعنت بسوی آسمان بالا میرود و دروازه های آسمان به روی آن بسته می شود. سپس به زمین فرود میآید و دروازه های زمین به روی آن بسته می شود, باز به راست و چپ میرود و اگر راهی نیافت به کسیکه لعنت شده باز میگردد واگر وی اهل آن بود خوب , ورنه به گوینده اش باز میگردد).

4- دشنام دادن مسلمان بدون حق:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند: «سِبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ و قِتَالُهُ كُفْرٌ»([[76]](#footnote-76)).

( دشنام دادن مسلمان فسق و جنگ با وی کفر است).

و در موضعی دیگر فرمودند: «لاَ يَرْمِي رَجُلٌ رَجُلاً بِالْفُسُوقِ ، وَلاَ يَرْمِيهِ بِالْكُفْرِ إِلاَّ ارْتَدَّتْ عَلَيْهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ صَاحِبُهُ كَذَلِكَ»([[77]](#footnote-77)).

(هیچ مردی مرد دیگری را به فسق یا کفر متهم نمی کند مگر اینکه فسق و کفر بر او بازمی گردد، هرآنگاه که این نسبت ها به آن درست نباشد).

5- دشنام دادن مردگان بدون حق و مصلحتی شرعی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند: «لاَ تَسُبُّوا الأَمْوَاتَ فَإِنَّهُمْ قَدْ أَفْضَوْا إِلَى مَا قَدَّمُوا»([[78]](#footnote-78)).

(مردگان را دشنام ندهید زیرا آنان به آنچه پیش فرستادند رسیدند).

6- دشنام دادن تب:

عن جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- دَخَلَ عَلَى أُمِّ السَّائِبِ أَوْ أُمِّ الْمُسَيَّبِ فَقَالَ «مَا لَكِ يَا أُمَّ السَّائِبِ أَوْ يَا أُمَّ الْمُسَيَّبِ تُزَفْزِفِينَ». قَالَتِ الْحُمَّى لاَ بَارَكَ اللَّهُ فِيهَا. فَقَالَ «لاَ تَسُبِّى الْحُمَّى فَإِنَّهَا تُذْهِبُ خَطَايَا بَنِى آدَمَ كَمَا يُذْهِبُ الْكِيرُ خَبَثَ الْحَدِيدِ»([[79]](#footnote-79)).

(از جابر بن عبد الله رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بر ام سائب یا (ام مسیب) وارد شده و فرمودند: ای ام سائب یا (ام مسیب) ترا چه شده؟ چرا می لرزی؟ گفت: تب دارم که الله برکتش ندهد. آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: تب را دشنام مده که تب گناهان فرزندان آدم را از بین می برد همانطور که کورۀ آهنگر چرک و زنگ آهن را از بین می برد).

7- دشنام دادن باد:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الرِّيحُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ تَأْتِى بِالرَّحْمَةِ وَتَأْتِى بِالْعَذَابِ فَإِذَا رَأَيْتُمُوهَا فَلاَ تَسُبُّوهَا وَسَلُوا اللَّهَ خَيْرَهَا وَاسْتَعِيذُوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهَا»([[80]](#footnote-80)).

(باد رحمت الله تعالی بر بندگانش است که رحمت و عذاب را با خود می آورد پس هرگاه آن را دیدید دشنامش ندهید و از الله جل جلاله خیر آن را بطلبید و به الله جل جلاله از بدی آن پناه جویید).

8- دشنام دادن خروس:

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «لاَ تَسُبُّوا الدِّيكَ فَإِنَّهُ يُوقِظُ لِلصَّلاَةِ»([[81]](#footnote-81)).

(خروس را دشنام ندهید زیرا او شما را برای نماز بیدار می کند).

9- گفتن چنین عبارات: (بواسطۀ وقت فلان یا ستارۀ فلان بر ما باران بارید)

عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ الْجُهَنِيِّ أَنَّهُ قَالَ صَلَّى لَنَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم صَلاَةَ الصُّبْحِ بِالْحُدَيْبِيَةِ عَلَى إِثْرِ سَمَاءٍ كَانَتْ مِنَ اللَّيْلَةِ فَلَمَّا انْصَرَفَ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ ، فَقَالَ : «هَلْ تَدْرُونَ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ أَصْبَحَ مِنْ عِبَادِي مُؤْمِنٌ بِي وَكَافِرٌ فَأَمَّا مَنْ قَالَ مُطِرْنَا بِفَضْلِ اللهِ وَرَحْمَتِهِ فَذَلِكَ مُؤْمِنٌ بِي وَكَافِرٌ بِالْكَوْكَبِ ، وَأَمَّا مَنْ قَالَ بِنَوْءِ كَذَا وَكَذَا فَذَلِكَ كَافِرٌ بِي وَمُؤْمِنٌ بِالْكَوْكَبِ»([[82]](#footnote-82)).

از زید بن خالد جهنی رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و سلم نماز صبح را در حدیببیه در عقب بارانی که از طرف شب باریده بود برای ما خواندند سپس چون نماز را تمام کردند به مردم روی آورده فرمودند: (آیا می دانید که پروردگار شما چه فرمود؟ گفتند: الله و رسولش داناتراند. فرمودند: صبح نمود از بندگانم مؤمن به من و کافر به من، و اما کسی که گفت: به فضل و رحمت الله بر ما باران نازل شد آن کس به من مؤمن بوده و به ستاره کافر است. و اما کسی که گفت بواسطهء ستارۀ فلان بر ما باران بارید پس او به من کافر بوده و به ستاره ایمان دارد). «زیرا مؤثر در همه اشیاء الله عزوجل است و بس».

10- گفتن: (آنچه الله و فلانی بخواهد)

عَنْ حُذَيْفَةَ عَنِ النَّبِىِّ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ « لاَ تَقُولُوا مَا شَاءَ اللَّهُ وَشَاءَ فُلاَنٌ وَلَكِنْ قُولُوا مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ شَاءَ فُلاَنٌ»([[83]](#footnote-83)).

(از حذیفه بن یمان رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: مگوئید آنچه الله و فلانی بخواهد، بلکه بگوئید:آنچه که الله جل جلاله بخواهدو سپس فلانی بخواهد).

زیرا واو تقاضای مشارکت را میکند در حالیکه مشیت و ارادۀ الله متعال قدیم و ازلی است و مشیت بنده حادث است. باید گفته شود: آنچه الله عزوجل بخواهد و باز فلانی اراده نماید.

11- دعا بر اولاد و اموال خود:

از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «لاَ تَدْعُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَلاَ تَدْعُوا عَلَى أَوْلاَدِكُمْ وَلاَ تَدْعُوا عَلَى أَمْوَالِكُمْ لاَ تُوَافِقُوا مِنَ اللَّهِ سَاعَةً يُسْأَلُ فِيهَا عَطَاءٌ فَيَسْتَجِيبُ لَكُمْ»([[84]](#footnote-84)).

(بر نفس های خود و بر اولاد و اموال خود دعای بد نکنید تا موافق نشود به ساعتی که الله تعالی در آن ساعت چون از عطایی سوال شود برای شما اجابت کند).

12- دعا به گناه و قطع صلۀ رحم:

«لاَ يَزَالُ يُسْتَجَابُ لِلْعَبْدِ مَا لَمْ يَدْعُ بِإِثْمٍ أَوْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ»([[85]](#footnote-85)).

(همیشه برای بنده اجابت می شود تا به گناه و قطع صلۀ رحم دعا نکند بشرطیکه شتاب و عجله ننماید).

**دانستنی ها**

1- پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ يَغْضَبْ عَلَيْهِ»([[86]](#footnote-86)).

(کسیکه از الله عزوجل درخواست نکند اوتعالی بر وی خشمگین می شود).

2- پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ هوَ الدّعاء»([[87]](#footnote-87)).

(بهترین عبادت همان دعا است).

3- پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «إِنَّ أَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ فِي الدُّعَاءِ، وَإِنَّ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلامِ»([[88]](#footnote-88)).

( سست ترین مردم کسی است که در دعا کوتاهی میکند ، و بخیل ترین مردم کسی است که به سلام دادن بخل می ورزد).

4- پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «لَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَمَ عَلَى اللهِ سُبْحَانَهُ مِنَ الدُّعَاءِ»([[89]](#footnote-89)).

(هیچ چیز گرامی تر از دعا بر الله متعال نیست).

5- اگر می خواهی دعایت اجابت گردد پس بر نماز های فرض مواظبت داشته باش، و نماز نفل بسیار بخوان. زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از الله متعال روایت نموده اند که فرموده است: «مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطُشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا وَإِنْ سَأَلَنِي لأُعْطِيَنَّهُ وَلَئِنِ اسْتَعَاذَنِي لأُعِيذَنَّهُ»([[90]](#footnote-90)).

(کسی که با یکی از دوستانم دشمنی کند با او اعلان جنگ می کنم. بهترین وسیلۀ تقرب بنده ام به من ادای عباداتی است که بروی فرض کرده ام. بنده ام همیشه بوسیلۀ نوافل به من تقرب می جوید ، تا اینکه او را دوست می دارم. چون وی را دوست داشتم من شنوائی اش می شوم که بدان می شنود، و بینائی اش که بدان می بیند، و دستی که بدان چنگ می زد ، و پاییکه بدان میرود(مراد اینکه تمام اعضا و جوارح وی منقاد الله ذوالجلال میشوند) و اگر از من چیزی بطلبد به وی می دهم و اگر از من پناه جوید ، به وی پناه می دهم).

6- اصل در اجابت دعا تقوا ، دیانت و صلاح بنده است،لکن در برخی احوال قبولیت دعا خلاف آن می باشد و شاید استدراج بنده باشد. الله متعال می فرماید: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﮊ مريم: ٧٧ - ٨٠ (آیا در شگفت نیستی از آن کسی که آیات ما را انکار کرده و می گوید: بدون شک دارایی فراوان و فرزندان زیادی به من داده خواهد شد. آیا او از غیب آگاه شده است؟ و یا از پیشگاه پروردگار مهربان عهد و پیمانی گرفته است؟ چنین نیست که او میگوید. ما آنچه را که میگوید می نویسیم، و عذاب را بر او مستمر و پیاپی خواهیم داشت. و از او به ارث می بریم آنچه را که از آن دم می زند و تک و تنها پیش ما خواهد آمد).

چنانکه قبلا دعای شیطان نیز پذیرفته شد. الله متعال در حق او میفرماید: ﮋ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮊ الحجر: ٣٦ - ٣٨

(گفت:(شیطان) پروردگارا! اکنون که چنین است مرا تا روزی مهلت ده که در آن زنده می گردند. فرمود: هم اینک تو از مهلت یافتگانی. تا روزی که زمان – فرا رسیدن- آن معلوم است)

7- عدم اجابت دعا دلیل بر فساد بنده در همه احوال نیست. زیرا الله عزوجل بعض دعا های رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را نیز نپذیرفت. در حدیث شریف آمده است: «سَأَلْتُ رَبِّى ثَلاَثًا فَأَعْطَانِى ثِنْتَيْنِ وَمَنَعَنِى وَاحِدَةً سَأَلْتُ رَبِّى أَنْ لاَ يُهْلِكَ أُمَّتِى بِالسَّنَةِ فَأَعْطَانِيهَا وَسَأَلْتُهُ أَنْ لاَ يُهْلِكَ أُمَّتِى بِالْغَرَقِ فَأَعْطَانِيهَا وَسَأَلْتُهُ أَنْ لاَ يَجْعَلَ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ فَمَنَعَنِيهَا»([[91]](#footnote-91)).

(سه چیز از پروردگارم طلب نمودم، دوتای آنها را به من داد و یکی را نداد. از پروردگارم خواستم امتم را با خشکسالی و قحطی و تنگی معیشت هلاک نکند و آنرا بمن داد. و از اوتعالی خواستم امتم را با غرق شدن هلاک نکند و آنرا نیز بمن داد. و از اوتعالی خواستم دشمنی و عداوت را در میان شان قرار ندهد، لیکن این دعایم قبول نشد).

8- پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از دعایی که قبول نمیشود به الله متعال پناه جسته اند: «اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْهَرَمِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِى تَقْوَاهَا وَزَكِّهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلاَهَا اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لاَ يَنْفَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لاَ يَخْشَعُ وَمِنْ نَفْسٍ لاَ تَشْبَعُ وَمِنْ دَعْوَةٍ لاَ يُسْتَجَابُ لَهَا»([[92]](#footnote-92)).

(بارالها! من از ناتوانی و تنبلی و بخل و پیری و عذاب قبر بتو پناه می جویم. پروردگارا! به من تقوای نفسی عطا کن و پاکش کن که تو بهترین کسی هستی که پاکش نموده ای. تو متصرف و مولایش می باشی. پروردگارا! من از علمی که نفع نمی رساند و دلی که - از تو- نمی ترسد و نفسی که سیر نمیشود و دعایی که قبول نمیشود بتو پناه می جویم).

9- بهتر است بنده دعاهایی را بخواند که در قران مجید و سنت مطهر وارد شده و اگر به غیر آندو دعا نمود پس باید خارج از دایرۀ شرع نباشد.

10- در وقت دعای عام دو دست را بلند می کنیم، اما در دعا های دیگر مانند دعای خروج و دخول از منزل و یا دعای دخول و خروج بیت الخلا و غیره دست را بلند نمیکنیم.

11- هرگاه دعای بنده قبول شد باید الله جل جلاله را شکر کند.

12- پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «الْمَسْأَلَةُ أَنْ تَرْفَعَ يَدَيْكَ حَذْوَ مَنْكِبَيْكَ ، أَوْ نَحْوَهُمَا ، وَالاِسْتِغْفَارُ أَنْ تُشِيرَ بِأُصْبُعٍ وَاحِدَةٍ ، وَالاِبْتِهَالُ أَنْ تَمُدَّ يَدَيْكَ جَمِيعًا»([[93]](#footnote-93)).

(سوال و درخواست آنست که دو دستت را برابر با دو شانه ات یا نحو آن بلند کنی، و استغفار آنست که با انگشت شهادتت اشاره نمایی، و زاری و حاجت خواستن آنست که هر دو دستت را بالا دراز نمایی).

13- پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «لا يَرُدُّ الْقَضَاءَ إِلا الدُّعَاءُ، وَلا يَزِيدُ فِي الْعُمُرِ إِلا الْبِرُّ»([[94]](#footnote-94)).

«هيچ چيز قضا و قدر را بازنمیگرداند مگر دعا. و هيچ چيز جز نيكي و بخشش و طاعت، بر عمر نمی افزايد».

**دعا های بر گزیده از قرآن کریم**

1- ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﮊالفاتحة: ١- ٧

(به نام الهي يكتا، بخشاينده ي مهربان. همه ي ستايش ها براي الله پروردگار جهانيان است. الهي كه بخشاينده و مهربان است. مالك و دارنده و پادشاه روز جزاست. پروردگارا! تنها تو را میپرستيم و فقط از تو ياري و كمك میجوييم. تو ما را به راه راست هدايت فرما. راه آناني كه به آن ها نعمت دادي (راه پيامبران و صديقان و شهدا و صالحان) نه راه كساني كه بر آن ها خشم گرفتي ( يهود) و نه راه گمراهان ( نصارا) . آمين: (دعاي ما را بپذير و ما را بر راه راست پايدار فرما).

2 ـﮋ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﮊ البقرة: ٢٠١

(بارالها! ما را از نعمت هاي دنيا و آخرت (هردو) بهره مند گردان و از عذاب و شكنجۀ آتش دوزخ نگاه دار).

3 - ﮋ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍﮊ البقرة: ٢٨٦ (پروردگارا! ما را بر آن چه فراموش يا خطا كرده ايم، مؤاخذه مكن. پروردگارا! تكليف گران و طاقت فرسا چنان كه بر پيشينيان ما نهادي، برما مگذار. پروردگارا! بار تكليفي فوق طاقت ما به دوش ما منه، گناه ما را ببخشاي و بر ما رحمت فرما. تنها سلطان ما و يار و ياور ما تويي، ما را بر گروه كافران ياري فرما و نصرت ده).

4 - ﮋ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﮊ آل عمران: ٨

(پروردگارا! ما را پس از آن كه به حق هدايت فرمودي، كج مگردان، و به ما از لطف خويش رحمتي عطا فرما كه همانا تويي بخشنده ي بي عوض و منت).

5 ـﮋ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﮊ آل عمران: ٩

(پروردگارا! محققاً تو همه ي خلق را جمع آوري در روزي كه هيچ شك و ترديدي درآن نيست، در روز قيامت. و الله هرگز وعده ي خويش را نقض نخواهد كرد).

6 ـﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﮊ آل عمران: ١٦

آنان كه به درگاه باعظمت الهي عرضه دارند: (پروردگارا! به كرم خود گناهان ما را ببخشاي و ما را از عذاب جهنم نگاه دار).

7 ـﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﮊ آل عمران: ٥٣

(پروردگارا! ما به كتابي كه فرستادي ايمان آورده و از رسول تو پيروي كرديم نام ما را در صحيفه ي اهل يقين ثبت فرما).

8-ﮋ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﮊ آل عمران: ١٤٧

(پروردگارا! به كرم خود از گناه و ستمي كه ما در باره ي خود كرده ايم درگذر و ما را ثابت قدم بدار و ما را بر گروه كافران مظفر و منصورگردان).

9- ﮋ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﮊ

آل عمران: ١٩١ - ١٩٤

(پروردگارا! اين خلقت باعظمت را بيهوده نيافريده اي. پاك و منزهي. ما را به لطف خود از عذاب آتش دوزخ نگاهدار. پروردگارا! هر كه را تو در آتش افكني او را سخت خوار كرده اي و او ستمكار بوده و ستمكاران را هيچ كس ياري نخواهد كرد. پروردگارا! ما چون صداي منادي كه خلق را به ايمان میخواند شنيديم، اجابت كرديم و ايمان آورديم. پروردگارا! از گناهان ما درگذر و زشتي كردار ما را بپوشان و پس از مرگ، ما را با نيكان محشور گردان. پروردگارا! ما را ازآن چه به رسولان خود وعده دادي نصيب فرما و محروم مگردان كه وعده ي تو هرگز خلاف نخواهد شد).

10 ـ ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦﮊ المائدة: ٨٣

(الها! ما ايمان آورديم، نام ما را در زمره ي گواهان صادق بنويس).

11- ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﮊ الأعراف: ٢٣

(الها! ما برخويش ستم كرديم و اگر تو ما را نبخشايي و به ما رحمت و رأفت نفرمايي، سخت از زيانكاران خواهيم شد).

12ـ ﮋ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮊ الأعراف: ٤٧

(پروردگارا! ما را با ستمكارانِ ظالم، همراه مگردان).

13- ﮋ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖﮊ الأعراف: ٨٩

(الها! در نزاع بين ما و قوم ما به حق داوری کن و راهگشا باش كه تو بهترين راه گشاينده اي).

14 ـ ﮋ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮊ

الأعراف: ١٢٦

(الها! به ما صبر و شكيبايي عطا فرما و ما را برآيين اسلام بميران).

15 ـ ﮋ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﮊ يونس: ٨٥ - ٨٦

(الها! ما را دستخوش فتنه ي اشرار و قوم ستمكار مگردان و ما مؤمنان را به رحمت و لطف خود از شر كافران نجات ده).

16 - ﮋ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﮊ إبراهيم: ٣٨

(پروردگارا! تو به هر چه ما پنهان و آشكار كنيم، بر همه آگاهي و بر تو اي الله هيچ چيز در آسمان و زمين پنهان نيست).

17 - ﮋ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﮊ إبراهيم: ٤١

(بارالها! روزي كه حساب به پا شود، تو در آن روز سخـت، بر من و والدين من و همه ي مؤمنان از كرمت ببخشاي).

18- ﮋ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮊ الكهف: ١٠

(بارالها! تو در حق ما به لطف خاص خود رحمتي عطا فرما و بر ما وسيله ي رشد و هدايت كامل فراهم كن).

19- ﮋ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮊ المؤمنون: ١٠٩

(الها! ما به تو ايمان آورديم. تو از گناهان ما درگذر و در حق ما لطف و مهرباني فرما كه تو مهربان ترين مهرباناني).

20 ـ ﮋ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﮊ الفرقان: ٦٥

(پروردگارا! عذاب جهنم را از ما بگردان كه سخت عذابي مهلك و دايمي است).

21 ـ ﮋ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮊ الفرقان: ٧٤ (پروردگارا! ما را از همسران خود فرزنداني مرحمت فرما كه مايه ي روشني ما باشند و ما را پيشواي اهل تقوا قرار ده).

22- ﮋ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﮊ غافر: ٧

(اي پروردگاري كه علم و رحمت بي منتهايت همه ي عالم را فرا گرفته است تو به لطف و كرم، گناه آنان كه توبه كرده و راه رضاي تو را پيمودند ببخشاي وآنان را از عذاب دوزخ محفوظ بدار).

23 ـ ﮋ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧﮊ الحشر: ١٠

(پروردگارا! بر ما و برادران ديني ما كه در ايمان پيش از ما شتافتند، ببخشا و در دل ما هيچ كينه و حسد نسبت به مومنان قرار مده. پروردگارا! تويي كه در حق بندگان بسيار رووف و مهرباني).

24 ـ ﮋ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﮊ الممتحنة: ٤ - ٥

(الها! ما بر تو توكل كرديم و از همه كس رو بـه درگاه تـو آورديم و بازگشـت همه ي خلق به سوي توست. پروردگارا! ما را به فتنه وامتحان كافران دچارمگردان، پروردگارا! ما را بيامرز؛ چه، تنها تويي كه بر هركار بسيار مقتدري و کار به جایی).

25 ـ ﮋ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿﮊ التحريم: ٨

(پروردگارا! تو نور ما را به حد كمال برسان و ما را به لطف و كرم خود ببخشا كه تنها تو بر هر چيز توانايي).

26 - ﮋ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝﭞ ﭟ ﭠ ﭡﮊ آل عمران: ٣٨

(گفت:-پروردگارا!- به لطف خويش فرزنداني پاك سرشت به من عطا فرما كه همانا تويي مستجاب كننده ي دعا).

27 ـ ﮋ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮊ هود: ٤٧

(الها! من به تو پناه مي برم از چيزي که نمیدانم و آنرا از تو تقاضا كنم، و اكنون اگر گناه مرا نبخشايي و مرا رحم نفرمايي، از زيانكاران خواهم شد).

28 ـ ﮋ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﮊ إبراهيم: ٣٥

(پروردگارا! اين شهر(مكه) را مكان امن و امان قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بت ها دور دار).

29 - ﮋ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﮊ إبراهيم: ٤٠

(الها من و ذريه ي مرا نمازگزار گردان. بارالها! دعاي ما را اجابت فرما).

30 - ﮋ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﮊ طه: ٢٥ - ٢٨

(پروردگارا! سينه ام را وسعت ده - كه از جفا و آزار مردم، تنگدل نشوم- و كار مرا آسان گردان و عقده ي زبانم را بگشا تا مردم سخنم را بفهمند- و بدانند چه مىگويم-).

31 - ﮋ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛﮊ

الأنبياء: ٨٩

(الها! مرا تك و تنها وامگذار كه تو بهترين وارث عالميان هستي).

32 - ﮋ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯﮊ الأنبياء: ١١٢

(الها! تو ميان ما به حق حكم كن. و پروردگار ما همان الهي مهربانست -كه براي باطل كردنِ آن چه شما برخلاف حق مي گوييد- از او ياري میطلبم كه در هر كاري تنها از او ياري بايد خواست).

33- ﮋ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﮊ المؤمنون: ٢٩

(پروردگارا! مرا به منزل مبارك فرود آور كه تو بهترين كسي هستي كه بارها به منزل خير و سعادت تواني فرود آورد).

34- ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮊ المؤمنون: ٩٤

(بارالها! مرا ميان قوم ستمكار وامگذار).

35- ﮋ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﮊالشعراء:٨٣ - ٨٤ (بارالها! مرا فرمانروايي ده و به بندگان صالح خود ملحق ساز و نامم را بر زبان اقوام، آينه اي نيكو و سخنم را دلپذير گردان).

36-ﮋ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﮊ الشعراء: ٨٧ - ٨٩

(پروردگارا! روزي كه خلق را از قبرها برانگيزي، در آن روز مرا رسوا و هلاك مگردان و آن روزي كه مال و فرزندان، هيچ به حال انسان، سود نبخشند. وتنها آن كس سود بَرَد كه با دلي با اخلاص و پاك از شك و گمان به درگاه الله آيد).

37- ﮋ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﮊ النمل: ١٩

(پروردگارا! مرا توفيق شكر نعمت خود كه به من و پدر من عطا فرمودي عنايت فرما و مرا به عمل صالح خالصي كه تو بپسندي، موفق بدار و مرا به لطف و رحمت، در صف بندگان خاص شايسته ات داخل گردان).

38- ﮋ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮐ ﮊ القصص: ١٦

(الها! من برخويش ستم كرده ام. الهي! تو از من درگذر).

39- ﮋ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮊ القصص: ٢٤ (بارالها! من به خيري كه تو نازل فرمايي، محتاجم).

40- ﮋ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﮊ القصص: ٢١

(بارالها! مرا از شر اين قوم ستمكار نجات ده).

41- ﮋ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶﮊالعنكبوت: ٣٠

(پروردگارا! مرا برنابودي اين قومِ فاسد ياري كن).

42- ﮋ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﮊ الصافات: ١٠٠

(بارالها! مرا فرزند صالحي كه از بندگان شايسته ي تو باشد، عطا فرما).

43- ﮋ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮊ الأحقاف: ١٥

(الها! به من توفیق عطا فرما تا شکر نعمتي را بجای آورم كه به من و پدر و مادر من عطا فرمودي، و به كارشايسته اي كه رضا و خشنودي تو در آن است، موفق دار و فرزندان مرا صالح گردان. بارالها! من به درگاه تو به دعا باز آمدم و از مسلمانان شدم).

44- ﮋ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﮊ نوح: ٢٨

(بارالها! مرا و پدر و مادرم را و هركه با ايمان به خانۀ من داخل شود و همه ي مردان و زنان باايمان جهان را ببخشاي و بيامرز و ستمكاران را جز برهلاك و عذابشان ميفزاي).

45- ﮋ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﮊ

آل عمران: ٢٦ - ٢٧

( بگو! الها! اي پادشاه ملك و هستي، تو هر كه را خواهي عزت ملك و سلطنت بخشي و از هر كه خواهي بگيري و به هر كه خواهي عزت و اقتدار بخشي و هر كه را خواهي خوارگرداني. هر خير و نيكي به دست توست و تنها تو بر هر چيز توانايي. شب را در روز نهان سازي و روز را در شب ناپديد گرداني و مرده را زنده سازي و زنده را بميراني و هر كه را خواهي بي حساب روزي میدهي).

46- ﮋ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮊ آل عمران: ٧٣ - ٧٤

(بگو اي پيامبر! فضل و رحمت به دست الله است؛ به هركه خواهد عطا كند و الله را رحمت بي منتهاست و به همه ي امور عالم داناست، هر كه را مشيّت او تعلق گيرد، مخصوص به فضل و رحمت خود گرداند كه الله را فضل و رحمت بي منتهاست).

47- ﮋ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﮊ طه: ١١٤

(و اي پروردگار من! به علم من بيفزا).

48- ﮋ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮊ المؤمنون: ٩٧ - ٩٨

(بارالها! من از وسوسه و فريب شياطين (انس و جن) به سوي تو پناه می آورم. بارالها! از آن كه شيطان (انس و جن) به مجلسم حاضر شود، باز هم به تو پناه میبرم".

49- ﮋ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﮊ المؤمنون: ١١٨

(بارالها! بيامرز و ببخشاي كه تو بهترين بخشايندگان عالم وجودي).

50- ﮋ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﮊ الزمر: ٤٦

(پروردگارا! اي خالق آسمان ها و زمين، اي داناي عالَم پيدا و پنهان توخود ميان بندگان در آن چه خلاف و نزاع برانگيزند، حكم فرما).

51- ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﮊ الكافرون: ١ - ٦

(بگو كه اي كافران مشرك! من آن را كه شما میپرستيد هرگز نمیپرستم و شما هم آن الله يكتايي كه من پرستش میكنم، پرستش نمیكنيد. نه من الهان باطل شما را عبادت میكنم و نه شما يكتا الهي معبود مرا عبادت خواهيد كرد. پس اينك دين شما براي شما باشد و دين من براي من).

52- ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﮊ الإخلاص: ١ - ٤

(بگو او الله يكتاست. آن الله كه از همه بي نيازاست و همه ي عالم به او نيازمندند. نه كسي فرزند اوست و نه او فرزند كسي است و نه هيچ كس مثل و همتاي اوست).

53- ﮋ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮊ الفلق: ١ - ٥ (بگو من پناه میجويم بـه الهي فروزنده ي صبح روشن، از شر مخلوقات و از شر شب تار هنگامي كه درآيد و از شر زنان افسونگر چون به جادو در گره ها بدمند و از شر حسود بدخواه چون آتش رشك و حسد برافروزد).

54- ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮊ الناس: ١ – 6.

(بگو من پناه میجويم به پروردگار آدميان، پادشاه آدميان، اله يكتا معبود آدميان. از شر وسوسه ي شيطان. آن شيطان كه وسوسه و انديشه ي بد افكند در دل مردمان. چه آن شيطان از جنس جن باشد يا از نوع انسان).

55- ﮋ ﭝ ﭞ ﭟﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﮊ يوسف: ٦٤.

(الله بهترين نگهبان و مهربان ترين مهربانان است).

56- ﮋ ﭘ ﭙ ﭚﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﮊ البقرة: ١٢٧.

(پروردگارا! از ما قبول فرما، بی گمان تو شنوا و دانايي).

57- ﮋ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮊ يونس: ١٠.

(در بهشت دعای مومنان: پروردگارا! تو - از هر نقص وآلايش- پاك و منزهي وسلام آنها در آن درودتان باد. وآخرين دعا و سخنشان شکر و ستايش پروردگار عالميان است).

**دعـاهـاي انتخاب شده از سنت مطهر  
(دعای رفع مشکلات)**

1 ـ «لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ الأرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيم»([[95]](#footnote-95)).

(معبودي به حق نيست مگر الله بزرگ و بردبار. معبودي به حق نيست مگر پروردگار عرش بزرگ. معبودي به حق نيست مگر پروردگار آسمان ها و زمين و عرش گرامی).

2 ـ «لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَعَزَّ جُنْدَه،ُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَغَلَبَ الأحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلا شَيْءَ بَعْدَهُ»([[96]](#footnote-96)).

(معبودي جز الله يكتا نيست؛ سربازان خود را عزت داد و آنان را نصرت داد و به تنهايي احزاب را مغلوب نمود؛ پس هيچ چيز پس از او نيست) یعنی همه ي چيزها و همه کسانی که بر روی زمین هستند فنا می گردند و تنها ذات با عظمت و ارجمند الله تبارک و تعالی می ماند و بس.

3 ـ «اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، مِلْءُ السَّمَاوَاتِ وَالأرْضِ، وَمِلْءُ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ، أَهْلَ الثَّنَاءِ وَالْمَجْدِ، أَحَقُّ مَا قَالَ الْعَبْدُ وَكُلُّنَا لَكَ عَبْدٌ»([[97]](#footnote-97)).

(بار الها! پروردگارما! ستايش از آن توست، به اندازه ي پُريِ آسمان ها و پُريِ زمين و آن چه ميان آن دو است و پُريِ آن چه میخواهي از هر چيز پس از آن. تو سزاوار مدح و بزرگي هستي، تو سزاوارتريني نسبت به آن چه بنده ات گفت و همه ي ما بنده ي توييم).

4 ـ «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالأرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قَيِّمُ السَّمَوَاتِ وَالأرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالأرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، أَنْتَ الْحَقُّ، وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَقَوْلُكَ الْحَقُّ، وَلِقَاؤُكَ الْحَقُّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنَّارُ حَقٌّ، وَالنَّبِيُّونَ حَقٌّ، وَالسَّاعَةُ حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أَنَبْتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ، فَاغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ إِلَهِي لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ».

(الها! ستايش از آن توست. تو نور آسمان ها و زمين هستي و ستايش از آن توست. تو تدبيركننده ي آسمان ها و زمين هستي و ستايش از آن توست. تو پروردگار آسمان ها و زمين و هر چه در آن است، و تو حقی و وعده ي تو راست است و كلام تو و ديدار تو و بهشت و دوزخ حقيقت است و پيامبران برحقّند و قيامت حقيقت است. الها! خود را به تو تسليم كردم و بر تو توكل كردم و به تو ايمان آوردم و به سوي تو بازگشتم و براي تو با دشمن پيكار كردم و به دستور تو حكم كردم. پس گناهان گذشته و آينده و نهان و آشكار مرا بيامرز. تو معبود مني، نيست معبودي به حق مگر تو).

5 ـ «اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرَضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبُمَعافَاتِك مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لاَ أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ»([[98]](#footnote-98)).

(بار الها! به رضاي تو از خشمت و به عافيت تو از عذابت، به تو از تو پناه میبرم نمیتوانم بشمارم مدح تو را آن چنان كه خودت خود را مدح گفته اي).

6 ـ «اللَّهُمَّ لا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ»([[99]](#footnote-99)).

(الها! بازدارنده اي از آن چه تو عطا فرمايي، نيست و نه دهنده اي از آن چه خواهي منع نمايي. و سود ندهد توانگري توانگري اش را نزد تو).

7 ـ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وَعَلَي آل مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَي إِبْرَاهِيْمَ وَعَلَي آلِ إِبْرَاهِيْمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. وَبَارِكْ عَلَي مُحَمَّدٍ و عَلَي آل مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَي إِبْرَاهِيْمَ و عَلَي آل إِبْرَاهِيْمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»([[100]](#footnote-100)).

(الها! بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ چنان كه بر ابراهيم و آل ابراهيم درود فرستادي (در دو جهان). همانا تو ستايش شده و بزرگواري. پروردگارا! بر محمد و آل محمد بركت فرست؛ چنان كه بر ابراهيم و آل ابراهيم بركت نازل فرمودي به درستي كه تو ستايش شده و بزرگواري).

8 ـ «اللَّهُمَّ مُصَرِّفَ القُلُوبِ،صَرِّفْ قَلْبِي عَلَى طَاعَتِكَ»([[101]](#footnote-101)).

(اي اختيار كننده ي دل ها! دلم را به سوي طاعتت هدايت كن).

9 ـ «اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»([[102]](#footnote-102)).

(الها! ما را از نعمت هاي دنيا و آخرت (هردو) بهره مند گردان و از آتش دوزخ نگاهدار).

10 ـ «اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ، فَاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي، إِنَّك أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»([[103]](#footnote-103)).

(الها! همانا من به خود ظلم كردم، ظلمي بسيار زياد و جز تو كسي گناهان را نمی آمرزد، پس مرا بيامرز، آمرزش از فضل وكرم خودت و به من رحم فرما. همانا تو بسيار آمرزنده و مهرباني).

11 ـ «اللهمَّ إنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلاءِ، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ، وَشَمَاتَةِ الأعْدَاءِ»([[104]](#footnote-104)).

(الها! من از شدت رنجِ بلا و بدبختي قضا و سرنوشت بد و از خوشحالي دشمن، به تو پناه می برم).

12 ـ «اللهمَّ إنِّي أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ الَّذِي لا إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ الَّذِي لا يَمُوتُ وَالْجِنُّ وَالإنْسُ يَمُوتُونَ»([[105]](#footnote-105)).

(الها! به عزت تو كه معبودي به حق جز تو نيست آنکه هرگز نمی ميرد، به تو پناه می برم. و جن و انس میميرند).

13 ـ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ وَعَذَابِ النَّارِ، وَفِتْنَةِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ، وَشَرِّ فِتْنَةِ الْغِنَى، وَشَرِّ فِتْنَةِ الْفَقْرِ»([[106]](#footnote-106)).

(الها! از فتنه ي آتش و عذاب دوزخ و فتنه و عذاب قبر و از شر فتنه ي ثروتمندي و از شر فتنه ي فقر، به تو پناه میبرم).

14 ـ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ الْكَسَلِ والهَرَم، وَالْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ»([[107]](#footnote-107)).

(الها! از تنبلي و پيري وگناه و بدهكاري(دین)، به تو پناه مي برم).

15 ـ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْهَرَمِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ»([[108]](#footnote-108)).

(الها! هرآينه من از ناتواني و تنبلي و ترس و پیری، به تو پناه میبرم و از عذاب قبر به تو پناه میبرم و از فتنه ي زندگي و برزخ، به تو پناه میبرم).

16 ـ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَّالِ»([[109]](#footnote-109)).

(الها! از شر فتنه ي مسيح دجال (دروغگويي كه خود را مسيح میپندارد و انتظار دارد مردم از او پيروي كنند) به تو پناه میبرم).

17 ـ «اللَّهُمَّ اغْسِلْ قَلْبِي بِمَاءِ الثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَنَقِّ قَلْبِي مِنْ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الأبْيَضَ مِنْ الدَّنَسِ، وَبَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ»([[110]](#footnote-110)).

(الها! دلم را با آب يخ و آب ژاله(تگرگ) بشوي و از خطاها پاك گردان؛ چنان كه لباس سفيد را از چرك و آلودگي پاك كردي. و بين من و خطاهايم فاصله انداز چنان كه بين مشرق و مغرب فاصله انداختي).

18 ـ «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي هَزْلِي وجِدِّي، وخَطَئِي وَعَمْدِي، وَكُلُّ ذَلِكَ عِنْدِي»([[111]](#footnote-111)).

(الها! شوخي من و جدي من و خطاي من و عمد من و همه ي اين ها كه نزد من است را بيامرز).

19 ـ «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»([[112]](#footnote-112)).

(الها! گناهان گذشته و آينده و نهان و آشكار مرا ببخشاي. تو پيشي دهنده و عقب اندازنده اي و تو برهمه چيز توانايي).

20 ـ «اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي بَصَرِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي نُورًا، وَعَنْ يَمِينِي نُورًا وَعَنْ يَسَارِي نُورًا، وَفَوْقِي نُورًا وَتَحْتِي نُورًا، وَأَمَامِي نُورًا وَخَلْفِي نُورًا، وَاجْعَلْ لِي نُورًا»([[113]](#footnote-113)).

(الها! در قلبم نوري قرار ده و در چشمم نوري و درگوشم نوري. و از سمت راستم نوري و از سمت چپم نوري قرار ده. و از بالايم و از پايينم و از جلويم و از پشت سرم نوري و برايم نوري قرار ده).

21 ـ «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ»([[114]](#footnote-114)).

(الها! دين مرا اصلاح كن كه حفظ كار من، در آن است و دنيايم را اصلاح كن كه روزي من درآن است و آخرت مرا اصلاح كن كه معاد و بازگشت من به آن است و زندگي را در خير بسيار و مرگ را از هر شر برايم راحت بگردان).

22 ـ «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي كُلَّهُ، دِقَّهُ وَجِلَّهُ، وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ، وَعَلانِيَتَهُ وَسِرَّهُ»([[115]](#footnote-115)).

(الها! مرا بيامرز. همه ي گناهانم را، كم آن و زياد آن، اول آن و آخر آن آشكار آن و نهان آن را).

23 ـ «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَاهْدِنِي،وَعَافِنِي، وَارْزُقْنِي»([[116]](#footnote-116)).

(پروردگارا! از گناهان و تقصيراتم درگذر و به من رحم كن و مرا هدايت فرما و عافيت ده و روزي ام ده).

24 ـ «اللَّهُمَّ اهْدِنِي وَسَدِّدْنِي»([[117]](#footnote-117)).

(الها! مرا هدايت فرما و بر راه راست پايداري ده).

25 ـ «اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا، وَزَكِّهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلاهَا»([[118]](#footnote-118)).

(الها! به نفسم تقوا عطا فرما و آن را پاك گردان؛ كه تو بهترين پاك كنندگاني. تو مالك نفس من و صاحب آن هستي).

26 ـ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الهُدَى وَالتُّقَى، وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى»([[119]](#footnote-119)).

(الها! از تو هدايت و تقوا و پاكي و بي نيازي خواهانم.

27 ـ «اللَّهمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ، وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ»([[120]](#footnote-120)).

(الها! من از زوال و نيست شدن نعمتت بر خودم و از برگشتن تندرستي ام (به سوي بيماري و ناخوشي) و از عقوبت ناگهانی ات و از خشم و غضبت به تو پناه میبرم).

28 ـ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمِلْتُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ أَعْمَلْ»([[121]](#footnote-121)).

(الها! از شر آنچه انجام داده ام و از شر آن چه انجام نداده ام، به تو پناه میبرم).

29 ـ «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَرَبَّ الأرْضِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، وَمُنْزِلَ التَّوْرَاةِ وَالإنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الأوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنْ الْفَقْرِ»([[122]](#footnote-122)).

(الها! اي پروردگار هفت آسمان و پروردگار عرش بزرگ. اي پروردگار ما و پروردگار همه چيز، شكافنده ي دانه ها و هسته ها، نازل كننده ي تورات و انجيل و قرآن، از شر هر چيزي كه تو گيرنده و مهاركننده ي آن هستي به تو پناه میبرم. الها! تو نخستيني كه پيش از تو چيزي نيست و تو آخريني كه پس از تو چيزي نيست و تو آشكاري كه آشكارتر از تو چيزي نيست و تو پنهاني كه پنهان تر از تو چيزي نيست، وام و بدهكاري ما را ادا كن و از تنگدستي، توانگرمان فرما).

30 ـ «اللَّهُمَّ رَبَّ جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالأرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ، اهْدِنِي لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»([[123]](#footnote-123)).

(الها! اي پروردگار جبرييل و ميكاييل و اسرافيل، اي آفريننده ي آسمان ها و زمين، آگاه به نهان و آشكار، تو ميان بندگانت در چيزي كه آن ها در آن اختلاف كنند، حكم میكني. مرا در آن چه اختلاف كرده شده، به سوي حق هدايت فرما. به راستي كه تو هركه را خواهي، به راه راست هدايت میكني).

31 ـ «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لا إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا، إِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ»([[124]](#footnote-124)).

(الها! تو پادشاهي. غير از تو پروردگاري نيست. تو معبود مني ومن بنده ي تو هستم. به خود ستم كرده ام و به گناهم اعتراف دارم. همه ي گناهان مرا ببخشاي؛ زيرا غير از تو هيچ كس گناهان را نمیبخشايد).

32 ـ «اللَّهُمَّ اهْدِنِي لأَحْسَنِ الأخْلاقِ لا يَهْدِي لأَحْسَنِهَا إِلا أَنْتَ، وَاصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا لا يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إِلاَّ أَنْتَ»([[125]](#footnote-125)).

(الها! مرا به بهترين رفتار و اخلاق هدايت فرما كه هيچ كس جز تو، به اخلاق خوب هدايت نمیكند و اخلاق بد را از من بران؛ چون هيچ كس جز تو از اخلاق بد نمیراند).

33 ـ «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبُوءُ [ لَكَ ] بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلا أَنْتَ»([[126]](#footnote-126)).

(الها! تو پروردگار مني. معبودي به حق جز تـو نیست، مرا آفريدي، و من بنده ي تو هستم و تا جايي كه بتوانم به پيمان و وعده ي تو پايدارم. از شـر آن چـه انجام داده ام، به تو پناه میبرم. از نعمت تو بر خود آگاهم و به گناهم اعتراف دارم. مرا هرآينه بيامرز؛ زيرا جز تو كسي آمرزنده نيست).

34ـ «اللَّهُمَّ أَحْينِي مَا كَانَتِ الحَيَاةُ خَيْراً ليِ، وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتِ الوَفَاةُ خَيْراً لِي»([[127]](#footnote-127)).

(الها! اگر زنده ماندنم بهتر است، مرا زنده بدار و اگر مردنم بهتر است، مرا بميران).

35 ـ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لا تَشْبَعُ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لا يُسْتَجَابُ لَهَا»([[128]](#footnote-128)).

(الها! از علم و دانشي كه سود و فايده اي نمیرساند و از دلي كه فروتن نمیشود و از نفسي كه سير نمیشود و از دعايي كه مستجاب نمیشود به تو پناه میبرم).

دعاهای متفرقه

دعای بیرون شدن از منزل:

«بِسْمِ اللهِ تَوَّكَّلْتُ عَلَى اللهِ وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ»([[129]](#footnote-129)).

(بنام الله بیرون می روم و بر الله توکل می کنم، و هیچ جای بازگشتی و قوتی جز الله نیست).

«اللَّهُمَ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ أَوْ أَزِلَّ، أَوْ أُزَلَّ، أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ»([[130]](#footnote-130)).

(ای بار الها! من بتو پناه میبرم از اینکه کسی را گمراه بسازم، و یا کسی من را گمراه بسازد، و یا کسی را بلغزانم، و یا کسی من را بلغزاند، و یا بکسی ظلم نمایم، و یا کسی بمن ظلم نماید، و یا بکسی جهالت نمایم، و یا کسی بمن جهالت نماید).

«بِسْمِ اللهِ وَلَجْنَا، وَبِسْمِ اللهِ خَرَجْنَا، وَعَلَى رَبِّنَا تَوَكَّلْنَا»([[131]](#footnote-131)).

(بنام الله (بمنزل) داخل شدیم و بنام الله (از منزل) خارج شدیم، و بر پروردگار ما توکل کردیم).

دعای مسافر:

شخص وقتی میخواهد سفر نماید با دوستان و اقارب خود چنین وداع میکند:

«أَسْتَوْدِعُ اللهَ دِيْنَكَ، وَأَمَانَتَكَ، وَخَوَاتِيْمَ عَمَلِكَ»([[132]](#footnote-132)).

(من دین ترا، و امانت ترا، و خاتمۀ عمل ترا، به الله میسپارم).

«أَسْتَوْدِعُكُمُ اللهَ الَّذِيْ لاَ تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ»([[133]](#footnote-133)).

(ترا به الله میسپارم،آن ذاتی که چون باو چیزی سپرده شود ضایع نمیگردد).

دعای سوار شدن بوسایل سفر:

«اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ ﴿سُبْحانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ \* وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ﴾. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِيْ سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى، وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى، اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِيْ السَّفَرِ، وَالْخَلِيْفَةُ فِيْ اْلأَهْلِ، اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَعُوْذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمَنْظَرِ، وَسُوْءِ الْمُنْقَلَبِ فِيْ الْمَالِ وَاْلأَهْلِ»([[134]](#footnote-134)).

(الله بزرگ است، الله بزرگ است، الله بزرگ است، پاک است آنکه برای (استفادۀ) ما این (مرکوب) را رام ساخت، و ما خود به (تسخیر) آن دسترسی نداشتیم، حقا که ما به پروردگار خود بازگشتنی هستیم) ای بار الها! ما از تو درین سفر نیکوکاری و پرهیزگاری را مسئلت می نماییم، و نیز عملی را که پسندیدۀ بارگاه تو است، ای بار الها! بر ما این سفر ما را سهل وآسان بساز، و فاصلۀ دور آنرا بر ما نزدیک بگردان، ای بار الها! تویی صاحب (من) در سفر و نائب (من) در خانوادۀ (من) ای بار الها! بتو پناه میبرم از مشقت های سفر و منظر بد، و از دگرگونی و بدحالی در مال و فرزند).

دعای بازگشت از سفر:

علاوه بر دعای سفر مذکور این دعا را در پی آن بخواند:

«آيِبُوْنَ، تَائِبُوْنَ، عَابِدُوْنَ، لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ»([[135]](#footnote-135)).

(رجوع کنندگان (از سفر) توبه گاران و عبادت کنندگان برای پروردگار خود ثنا و ستایش مینماییم).

**دعای طلب باران:**

«﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ ، لَا إلَهَ إلَّا اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ، اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إلَهَ إلَّا أَنْتَ : أَنْتَ الْغَنِيُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ. أَنْزِلْ عَلَيْنَا الْغَيْثَ ، وَاجْعَلْ مَا أَنْزَلْت عَلَيْنَا قُوَّةً وَبَلاغًا إلَى حِينٍ»([[136]](#footnote-136)).

(ستایش الله راست که پروردگار جهانیان است، الله بی اندازه مهربان، و نهایت بارحم، پادشاه روز جزا است، نیست معبودی بجز الله آنچه را اراده نماید انجام میدهد، ای بار الها! تو اللهیی و بجز تو معبودی نیست، تو بی نیازی، و ما محتاج ایم، بر ما باران (رحمت خویش) را نازل فرما، و آنچه را که بر ما نازل نمودی (سبب) قوت و بسنده بگردان تا میعاد معینی).

دعای داخل شدن بمسجد:

«أَعُوْذُ بِاللهِ الْعَظِيْمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيْمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيْمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الَّرَجِيْمِ»([[137]](#footnote-137)).

(پناه میبرم به الله بزرگ، و بذات کریم او، و قدرت و غلبۀ قدیم او از شر شیطان رانده شده).

«بِسْمِ اللهِ وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلَى رَسُوْلِ اللهِ اللَّهُمَّ اغفر لِيْ ذُنٌوبِيْ وافْتَحْ لِيْ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ»([[138]](#footnote-138)).

(بنام الله و درود و سلام بر رسول الله صلی الله علیه وسلم، بار الها! گناهان مرا بیامرز و دروازه های رحمت خویش را برایم بگشای).

دعای بیرون شدن از مسجد:

«بِسْمِ اللهِ وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلَى رَسُوْلِ اللهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيْ ذُنُوبِيْ وافْتَحْ لِيْ أَبْوَابَ فَضْلِكَ»([[139]](#footnote-139)).

بنام الله و درود و سلام بر رسول الله صلی الله علیه وسلم، بار الها! گناهان مرا بیامرز و دروازه های فضل خویش را برایم بگشای).

دعای وقت داخل شدن به بازار:

«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِيْ وَيُمِيْتُ وَهُوَ حَيٌّ لاَ يَمُوْتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ»([[140]](#footnote-140)).

(نیست معبودی بجز الله و او یگانه و یکتا است، برای او هیچ شریکی نیست، و پادشاهی از آن او است، و (همۀ) ستایش از آن او است، زنده میگرداند و میمیراند، و او است زنده ابدی که هیچ نمی میرد، و به دست اوست خیرها، و او بر همه چیزها توانا است).

دعای داخل شدن به بیت الخلاء:

«بِسْمِ اللهِ، اللهُمَّ إِنّي أعُوذُ بِكَ مِنَ الخُبُثِ والخبائِثِ»([[141]](#footnote-141)).

(بنام الله، بار الها! من به تو پناه میبرم از (شر) شیطان های نر و ماده).

دعای بیرون شدن از بیت الخلاء:

[غُفْرانَكَ]([[142]](#footnote-142)) و «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى أَذْهَبَ عَنِّى الأَذَى وَعَافَانِى»([[143]](#footnote-143)).

(آمرزش ترا میطلبم). و (ثنا و ستایش الله را است که از من چیزهای مؤذی را دور نموده و مرا عافیت بخشیده است).

دعای تعزیت:

«إِنَّ ِللهِ مَا أَخَذَ، وَلَهُ مَا أَعْطَى وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُسَمَّى، فَلِتَصْبِرْ وَلِتَحْتَسِبْ»([[144]](#footnote-144)).

(کسی را که میرانیده است از آن الله بوده است، همۀ چیزهایی را که داده است از آن او است، هر چیز در نزد الله میعاد معینی دارد، پس صبر کن الله برایت مزد و پاداش میدهد).

دعای زیارت قبور:

«السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُسْلِمِيْنَ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللهُ بِكُمْ لاَحِقُوْنَ وَيَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِيْنَ أَسْأَلُ اللهَ لَنَا وَلَكُمُ الْعَافِيَةَ»([[145]](#footnote-145)).

(سلام باد بر شما اهل دیار از مؤمنان و مسلمانان، و بدون شک ما هم اگر الله عزوجل بخواهد بشما حتما پیوست شدنی هستیم، الله گذشتگان و آیندگان ما را مورد رحمت خود قرار دهد، از الله برای خود و شما عافیت (سلامتی از عذاب دنیا و آخرت را) میخواهم.

دعای پیش از طعام:

وقتی انسان میخواهد طعام بخورد «بسم الله» میگوید، و اگر گفتن «بسم الله» در آغاز طعام خوردن از یادش رفت این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللهِ فِيْ أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ»([[146]](#footnote-146)). ( بنام الله در اول و آخر طعام شروع مینمایم).

دعای بعد از فراغت از طعام:

«الْحَمْدُ ِللهِ الَّذِيْ أَطْعَمَنِيْ هَذَا وَرَزَقَنِيْهِ، مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّيْ وَلاَ قُوَّةٍ»([[147]](#footnote-147)).

(ثناء و ستایش الله را که مرا طعام داده است و روزی را بدون صرف نمودن قوت و قدرت من، برایم ارزانی نموده است).

دعای مهمان برای میزبان:

«اللهُمَّ أَطْعِمْ مَنْ أطْعَمَني وأَسْقِ مَنْ سْقَاني»([[148]](#footnote-148)).

(بار الها! کسی که مرا طعام خورانیده است او را طعام بده و کسی که مرا نوشانیده است او را بنوشان).

دعای روزه دار برای کسیکه او را افطاری داده است:

«أَفْطَرَ عِنْدَكُمُ الصَّائِمُوْنَ، وَأَكَلَ طَعَامَكُمْ الأَبْرَارُ، وَصَلَّتْ عَلَيْكُمْ المَلاَئِكَةُ»([[149]](#footnote-149)).

(روزه داران در نزد شما افطار نمودند و نیکوکاران از طعام شما خوردند و فرشتگان بر شما رحمت فرستادند).

دعای وقت افطار:

«ذَهَبَ الظَّمَأُ وَابْتَلَّتِ الْعُرُوْقُ، وَثَبَتَ اْلأَجْرُ إِنْ شَاءَ اللهُ»([[150]](#footnote-150)).

(تشنگی از بین رفت، و رگها تر شد، و ثواب حاصل گردید، اگر الله بخواهد).

دعای وقت عیادت مریض:

«لاَ بَأْسَ طَهُوْرٌ إِنْ شَاءَ اللهُ»([[151]](#footnote-151)).

(کدام حرجی نیست (این بیماری) اگر الله بخواهد (وسیلۀ) پاکی گناهانت میگردد).

دعای عطسه زننده:

(زمانیکه انسان عطسه میزند بگوید: «الحَمْدُ ِللهِ» (ثناء و ستایش شایسته الله است). و کسیکه به نزدش موجود است بگوید: «يَرْحَمُكَ اللهُ» (الله ترا مورد رحمت خود قرار دهد). و عطسه زننده در جوابش این دعا را بگوید: «يَهْدِيْكُمُ اللهُ وَيُصْلِحُ بَالَكُمْ»([[152]](#footnote-152)).

(الله شما را هدایت کند و حال شما را درست بگرداند).

دعای برای کسیکه ازدواج نموده است:

«بَارَكَ اللهُ لَكَ، وَبَارَكَ عَلَيْكَ، وَجَمَعَ بَيْنَـكُمَا فِيْ خَيْر»([[153]](#footnote-153)).

(الله به شما برکت عنایت فرماید و کار شما را با برکت کند و پیوندتان را مبارک و باعث خیر گرداند).

دعای خیر و برکت بر متاعی که انسان خریداری میکند:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا جَبَلْتَهَا عَلَيْهِ وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا جَبَلْتَهَا عَلَيْهِ»([[154]](#footnote-154)).

(بار الها! من از تو خیر این چیز را و خیری که در آن آفریدی میخواهم، و از شر آن و شری را که در آن آفریده ای بتو پناه میبرم).

دعای دیدن ماه نو:

«اللهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِاْلأَمْنِ وَاْلإِيْمَانِ، وَالسَّلاَمَةِ وَاْلإِسْلاَمِ، وَالتَّوْفِيْقِ لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى، رَبُّنَا وَرَبُّكَ اللهُ»([[155]](#footnote-155)).

(الله بزرگ است، ای بار الها! طلوع این ماه را بر ما مایۀ امن و ایمان و سلامتی و اسلام و توفیق بر چیزیکه تو آنرا دوست داری و بآن راضی هستی بگردان، پروردگار ما و پروردگار تو الله جل جلاله است).

دعای دیدن در آینه:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَسَّنَ خَلْقِي وَخُلُقِي وَزَانَ مِنِّي مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي»([[156]](#footnote-156)).

(ثنا وستایش الله را که آفرینش و اخلاق مرا نیکو ساخته است، و چیزهایکه بدیگران عیب بوده بمن زینت گردانیده است).

دعای آواز رعد و برق:

«سُبْحَانَ الَّذِيْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالمَلاَئِكَةُ مِنْ خِيْفَتِهِ»([[157]](#footnote-157)).

(پاک است الله که رعد ثنا و ستایش او را مینماید، و فرشتگان از وی ترس و خوف دارند).

دعای وقت نوشیدن آب زمزم:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ عِلْماً نَافِعاً، وَرِزْقاً واسِعاً و شفاءً مِن كل داءٍ»([[158]](#footnote-158)).

(بار الها! من از تو علم پر منفعت و روزی فراخ و صحت یابی از هر مرض و بیماری را میخواهم).

دعای ختم مجلس:

«سُبْحَاَنكَ اللَّهُمَ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»([[159]](#footnote-159)).

(ای الله تو پاکی، ثناء و ستایش تو راست، گواهی میدهم باینکه جز تو معبودی نیست، از تو آمرزش میطلبم و به تو توبه گارم).

دعای وقت همبستر شدن با همسر:

«بِسْمِ اللهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ، وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا»([[160]](#footnote-160)).

(بنام الله، بار الها! ما را از (شر) شیطان نگهدار، و اولادهای که بما عطا میکنی از (شر) شیطان نگهدار).

دعای قبل از خواب:

«بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَمُوْتُ وَأَحْيَا»([[161]](#footnote-161)).

(بنام تو ای بار الها! میمیرم و زنده میگردم).

دعای وقت بیدار شدن از خواب:

«الحَمْدُ للهِ الَّذِي أَحْيَانا بَعْدَ مَا أمَاتَنَا وإلَيْهِ النُّشُورُ»([[162]](#footnote-162)).

(ثناء و ستایش الله را که ما را بعد از میرانیدن زنده گردانید و بسوی او حشر و نشر ما است).

دعای عقیقه:

«بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ هَذِهِ عَقِيقَةُ فُلانٍ»([[163]](#footnote-163)).

(بنام الله، الله بزرگ است، ای بار الها! از تو است، و برای تو، این عقیقه فلان (نام مولود را بگیرد).

دعای قنوت:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِيْنُكَ، وَنَسْتَغْفِرُكَ، ونُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِيْ عَلَيْكَ الْخَيْرَ، وَنَشْكُرُكَ وَلاَ نَكْفُرُكَ، وَنَخْلَعُ مَنْ يَكْفُرُكَ اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ، وَلَكَ نُصَلِّيْ وَنَسْجُدُ، وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَحْفِدُ، وَنَرْجُوْ رَحْمَتَكَ، وَنَخْشَى عَذَابَكَ، إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكُفَّارِ مُلْحَقٌ»([[164]](#footnote-164)).

(ای بار الها! از تو یاری میجوییم، و از تو آمرزش میخواهیم، و بتو ایمان می آوریم، و به تو توکل می ورزیم، و برای تو ثناء خیر میگوییم، و ترا شکر میکنیم، و نا سپاسی نمیکنیم، و کسانیرا که از اوامر تو سر پیچی میکنند میگذاریم و ترک میدهیم، ای بار الها! خاص ترا می پرستیم و خاص برای تو نماز میگذاریم، و خاص ترا سجده میکنیم، و بسوی تو میشتابیم، و بتو اخلاص می ورزیم، رحمت ترا میجوییم، و از عذاب تو میترسیم، واقعاً که عذاب تو بکافران پیوست است).

«اللَّهُمَّ اهْدِنِى فِيمَنْ هَدَيْتَ ، وَعَافِنِى فِيمَنْ عَافَيْتَ ، وَتَوَلَّنِى فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ ، وَبَارِكْ لِى فِيمَا أَعْطَيْتَ ، وَقِنِى شَرَّ مَا قَضَيْتَ ، إِنَّكَ تَقْضِى وَلاَ يُقْضَى عَلَيْكَ ، وَإِنَّهُ لاَ يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ ، وَلاَ يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ ، تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ »([[165]](#footnote-165)).

(الهی! مرا در زمره کسانی قرار ده که آنها را هدایت کرده ای، و مرا جزو کسانی قرار ده که به آنها عافیت عطا فرمودی. الهی! مرا جزو کسانی قرارده که تو یاور آنانی، و هر چه که به من عنایت فرموده ای، مبارکش بگردان، و مرا از قضای بد، حفاظت کن؛ تویی که حکم می کنی، احدی بر تو حاکمیت ندارد، همانا کسی که تو او را حمایت کنی، ذلیل و خوار نمیشود، و کسی که تو با او دشمنی کنی هرگز عزت نمی یابد. پروردگارا! بابرکت و بلند مرتبه هستی).

دعای نجات از غم و اندوه:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ عَبْدُكَ، ابْنُ عَبْدِكَ، ابْنُ أَمَتِكَ، نَاصِيَتِيْ بِيَدِكَ، مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ، عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِيْ كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ، أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِيْ عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيْعَ قَلْبِيْ، وَنُوْرَ صَدْرِيْ، وَجَلاَءَ حُزْنِيْ، وَذَهَابَ هَمِّيْ»([[166]](#footnote-166)).

(ای بار الها! من بندۀ تو ام و فرزند بندۀ تو ام و فرزند کنیز تو ام پیشانی من بدست تو است، حکم تو در من جاری است، فیصلۀ تو در مورد من عدل و انصاف است، تو به هر اسمیکه خود را بآن نام گذاری کرده ای و یا آن اسم را در کتاب خویش نازل فرموده ای، و یا آن اسم را بکسی از مخلوق خویش تعلیم داده ای، و یا آن اسم را در نزد خویش در علم غیبی که بآن داری اختیار نمودی، سوال میکنم که قرآن را بهار دلم و نور سینه ام و وسیلۀ برای دوری از غم و اندوه ام بگردان).

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ، وَضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ»([[167]](#footnote-167)).

(ای بار الها! من بتو پناه میبرم از اندوه و غم، و به تو پناه میبرم از ناتوانی و کسالت، و به تو پناه میبرم از بخل و ممسکی و بزدلی، و بتو پناه میبرم از قرض داری و قهر مردها).

دعای بی قراری:

«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ الْعَظِيْمُ الحَلِيْمُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ اْلأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمُ»([[168]](#footnote-168)).

(نیست معبودی بجز الله عظیم و حلیم ، نیست معبودی بجز الله پروردگار عرش بزرگ، نیست معبودی بجز الله پروردگار آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار عرش کریم).

«اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلاَ تَكِلْنِيْ إِلَى نَفْسِيْ طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِيْ شَأْنِيْ كُلَّهُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ»([[169]](#footnote-169)).

(ای بار الها! امید رحمت تو را دارم مرا به اندازه یک پلک چشم به نفس من مسپار، و تمام کارم را درست فرما، نیست معبودی جز تو).

«لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّيْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ»([[170]](#footnote-170)).

(نیست معبودی جز تو، پاکی تو، همانا من از جملۀ ستمگاران بودم).

«اللهُ اللهُ رَبِّيْ لاَ أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً»([[171]](#footnote-171)).

(الله، الله، پروردگار من است، باو هیچ چیزی را شریک نمیسازم).

دعای رفع نا آرامی و یا ترس در خواب:

«أَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِيْنِ وَأَنْ يَحْضِرُوْنِ»([[172]](#footnote-172)).

(پناه میبرم به کلمه های تمام الله از خشم و عذاب الله، و از شر بندگان الله، و از وسوسه های شیاطین، و از حاضر شدن شیطانها).

دعای طلب علم:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ عِلْماً نَافِعاً و أَعُوْذُ بِكَ مِنْ عِلمٍ لا يَنفع»([[173]](#footnote-173)).

(ای بار الها! من از تو علم پر منفعت میخواهم و پناه میبرم بتو از علمی که در آن نفعی نمی باشد).

دعا برای جلو گیری از امراض خطرناک:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُذَامِ، وَالْجُنُونِ، وَسيِّئِ الأَسْقَامِ»([[174]](#footnote-174)).

(ای بار الها! بتو پناه میبرم از (مبتلا شدن) به پیسی، و بندخوره و دیوانگی، و سایر مرضهای بد).

دعای صحتی و سلامتی:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِيْ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ»([[175]](#footnote-175)).

(بار الها! من از تو سوال صحتی و سلامتی را در دنیا و آخرت مینمایم).

دعای نجات از شرک:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَعُوْذُ بِكَ أَنْ أُشْرِكَ بِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لاَ أَعْلَمُ»([[176]](#footnote-176)).

(بار الها! من بتو پناه میبرم از اینکه بتو شریک بگیرم در حالیکه من میدانم، و از تو آمرزش میطلبم از (شرک و) چیزی که من نمیدانم).

دعای دیدن مصیبت زده:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلاكَ بِهِ، وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلاً»([[177]](#footnote-177)).

(ثناء و ستایش مر الله را است که مرا از چیزیکه ترا بآن مبتلاء نموده است نجات داده است، و مرا بر بسیاری از مخلوق خود فضیلت و برتری بخشیده است).

دعای بعد از اذان:

«اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلاَةِ القَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّداً الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوْداً الَّذِيْ وَعَدْتَهُ»([[178]](#footnote-178)).

(الها! ای پروردگار این دعوت کامله، و نماز برپا شونده، به محمد صلی الله علیه وسلم وسیله(مقامی والا در بهشت) و فضیلت عنایت بفرما، و او را به مقام محمودی که وعدۀ آن را فرموده ای برسان).

دعای درخواست اخلاق حسنه:

«اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي»([[179]](#footnote-179)).

(بار الها! آفرینش مرا نیکو ساختی پس اخلاق مرا نیز نیکو بساز).

دعای جنازه:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا ، وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ، وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا ، وَذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا ، اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى الإِسْلاَمِ ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الإِيمَانِ ، اللَّهُمَّ لاَ تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ ، وَلاَ تُضِلَّنَا بَعْدَهُ»([[180]](#footnote-180)).

(بار الها! زنده و مرده ما را و حاضر و غائب ما را و کوچک و بزرگ ما را و مرد و زن ما را بیامرز، بار الها! هرکه را از ما زنده نموده ای، پس زنده نگهدار او را بر اسلام، و هر که را از ما فوت ساخته ای پس او را بر ایمان بمیران).

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَعَافِهِ، وَاعْفُ عَنْهُ، وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ، وَوَسِّعْ مُدْخَلَهُ، وَاغْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَبْدِلْهُ دَاراً خَيْراً مِنْ دَارِهِ، وَأَهْلاً خَيْراً مِنْ أَهْلِهِ، وَزَوْجاً خَيْراً مِنْ زَوْجِهِ، وَأَدْخِلْهُ الجَنّةَ، وَأَعِذْهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ النَّارِ»([[181]](#footnote-181)).

(بار الها! او را بیامرز و بر او رحم کن او را عافیت ده، از او در گذر، مهمانی او را به عزت تمام فراهم گردان، قبر او را فراخ کن، او را به آب برف و ژاله بشوی، و او را از گناها پاک کن چنانکه پارچه ای سفید را از چرک پاک میکنی، و او را به خانه ای بهتر از خانه اش، و به اهلی بهتر از اهلش، و به همسری بهتر از همسرش عوض بده، او را به بهشت داخل گردان، و او را از عذاب قبر و عذاب آتش پناه بده).

دعا برای جنازه پسر نابالغ:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطاً، وَسَلَفاً، وَأَجْراً»([[182]](#footnote-182)).

(الها! او را برای ما میزبان و ذخیره و ثوابی قرار ده).

دعای سجده تلاوت:

«سَجَدَ وَجْهِيْ لِلَّذِيْ خَلَقَهُ، وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ بِحَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ» ((فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ))([[183]](#footnote-183)).

(چهره ای من ذاتی را که او را آفریده و صورت بندی نموده است سجده کرده است، ذاتی که گوشها و چشم او را به قوت و توانایی خویش سوراخ نموده است با برکت است الله و بهترین آفریدگار است).

دعای شنیدن آواز خروس و آواز الاغ:

قَالَ النَّبِىَّ صلى الله عليه وسلم: « إِذَا سَمِعْتُمْ صِيَاحَ الدِّيَكَةِ فَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّهَا رَأَتْ مَلَكًا وَإِذَا سَمِعْتُمْ نَهِيقَ الْحِمَارِ فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهَا رَأَتْ شَيْطَانًا »([[184]](#footnote-184)).

(هرگاه بانگ خروس را شنیدید از الله فضلش را طلب کنید،(اللهم انی اسألک من فضلک) زیرا او فرشته ای را دیده است، و هرگاه صدای الاغ را شنیدید از شیطان به الله پناه ببرید؛ (اعوذ بالله من الشیطان الرجیم) زیرا الاغ شیطان را دیده است)

دعا برای نجات یافتن از عادات و اخلاق ناپسند:

«اَلَّلهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِيْ مِنَ النِّفَاقِ وَعَمَلِيْ مِنَ الرِّيَاءِ وَلِسَانِيْ مِنَ الْكِذْبِ وَعَيْنِيْ مِنَ الخِْيَانَةِ، فَاِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِيْ الصُّدُوْرِ»([[185]](#footnote-185)).

(بار الها! قلبم را از نفاق و عملم را از ریاء و زبانم را از دروغ، و چشمانم را از خیانت پاک بگردان، تویی که به خیانت کردن چشم ها علم داری و چیزهای که در سینه ها پوشیده است میدانی).

دعا برای رفع مشکلات:

«اللَّهُمَّ لاَ سَهْلَ إِلاَّ مَا جَعَلْتَهُ سَهْلاً وَأَنْتَ تَجْعَلُ الحَزْنَ إِذَا شِئْتَ سَهْلاً»([[186]](#footnote-186)).

(بار الها! هیچ کاری آسان نمیگردد مگر آن که تو او را سهل و آسان بگردانی، و تو مشکل را اگر بخواهی آسان میگردانی).

دعا جهت نجات یافتن از قرض داری:

«اللَّهُمَّ اكْفِنِيْ بِحَلاَلِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَأَغْنِنِيْ بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ»([[187]](#footnote-187)).

(بار الها! احتیاجات مرا از روزی حلال پوره کن و از (خوردن) حرام مرا رهایی بخش، و از غیرخود بفضل و مرحمت خویش مرا بی نیاز ساز).

دعا برای پدر و مادر:

﴿ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﴾ الإسراء: ٢٤

(پروردگارا! برای پدر و مادرم ببخشا همچنانکه مرا در خورد سالی تربیه کرده اند).

و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحبه وسلم وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

**مآخذ**

1- قرآن کریم.

2- تفسیر نور از دکتر خرم دل.

3- تفسیر انوار قرآن از عبدالروف هروی.

4- تفسیر کابلی.

5- تفسیر فی ظلال قرآن.

6- موطای امام مالک.

7- صحیح امام بخاری.

8- صحیح امام مسلم.

9- سنن امام ابو داود.

10- سنن امام ترمذی.

11- سنن امام نسایی.

12- سنن امام ابن ماجه.

13- مسند امام احمد.

14- صحیح ابن حبان.

15- سنن امام بیهقی.

16- مستدرک حاکم.

17- ادب مفرد از امام بخاری.

18- معجم طبرانی.

19- سنن الدار قطنی.

20- الدعوات از بیهقی.

21- شعب الایمان از بیهقی.

22- دعا از ابن فضیل ضبی.

23- کتب علامه البانی.

24- دعا از طبرانی.

25- دعا از حسین عوایشه.

26- دعا از خالد جریسی.

27- دعا و درمان از سعید قحطانی.

28- دعا از برقعی.

29- اذکار صالحین از نظام الدین نافع.

30- حصن المسلم.

**فهرست**

مقدمه..............................................................................2

پیشگفتار..........................................................................7

دعا در لغت و اصطلاح...................................................19

فضیلت دعا....................................................................20

شروط دعا......................................................................24

آداب دعا........................................................................26

ساعات و احوالیکه در آن دعا قبول میگردد...................42

چرا دعا قبول نمیگردد؟.................................................69

چرا پیروزی مسلمانان به تاخیر می افتد؟......................76

برخی از احادیث ضعیف و جعلی در مورد دعا............82

دعاهاییکه مسلمان از آن منع شده است........................86

دانستنی ها.....................................................................96

دعا های برگزیده از قران کریم....................................104

دعا های انتخاب شده از سنت مطهر...........................124

دعا های متفرقه...........................................................140

مآخذ............................................................................169

فهرست........................................................................171

1. () سنن امام ابوداود حدیث شماره(1481) و سنن امام ترمذی حدیث شماره(2969) و فرمود: این حدیث حسن صحیح است و علامه البانی آنرا نیز صحیح خوانده است. نگا: صحیح الجامع حدیث شماره(3401). [↑](#footnote-ref-1)
2. () سنن امام ترمذی حدیث شماره(3922) و فرمود: این حدیث حسن صحیح است. [↑](#footnote-ref-2)
3. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-3)
4. ()سنن امام ترمذی حدیث شماره(3922) و فرمود: این حدیث حسن صحیح است. [↑](#footnote-ref-4)
5. () متفق عليه [↑](#footnote-ref-5)
6. () صحیح امام مسلم حديث شماره(1015). [↑](#footnote-ref-6)
7. () سنن امام ترمذي حديث شماره (3476) و فرمود: این حديث حسن است. [↑](#footnote-ref-7)
8. () شعب الایمان از امام بیهقی حدیث شماره(1474) وصحیح الجامع از علامه الباني حديث شماره (4399). [↑](#footnote-ref-8)
9. () متفق عليه. [↑](#footnote-ref-9)
10. () متفق عليه. [↑](#footnote-ref-10)
11. () صحيح امام بخاري حديث شماره(6337). [↑](#footnote-ref-11)
12. () متفق عليه. [↑](#footnote-ref-12)
13. () صحیح امام بخاري حديث شماره(1014). [↑](#footnote-ref-13)
14. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-14)
15. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-15)
16. () متفق عليه. [↑](#footnote-ref-16)
17. () سنن امام ابو داود حدیث شماره (987). [↑](#footnote-ref-17)
18. () مختصري است از معناي حديث متفق علیه: صحیح امام بخاري حديث شماره (2215) و صحیح امام مسلم حديث شماره(2743). [↑](#footnote-ref-18)
19. () سنن امام ابوداود حديث شماره(1482). و صحیح ابن حِبّان حديث شماره(2412). [↑](#footnote-ref-19)
20. () متفق عليه. [↑](#footnote-ref-20)
21. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(520). [↑](#footnote-ref-21)
22. () سنن امام ترمذی حدیث شماره(3382) و حاکم رحمه الله این حدیث را صحیح خوانده است و ذهبی رحمه الله با او موافق است. نگا: صحیح الجامع از علامه البانی حدیث شماره (6166). [↑](#footnote-ref-22)
23. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(7705). [↑](#footnote-ref-23)
24. () سنن ترمذی حدیث شماره(2516)وفرمود: این حدیث صحیح حسن است. [↑](#footnote-ref-24)
25. () صحیح امام بخاری حدیث شماره(6306). [↑](#footnote-ref-25)
26. () صحیح امام مسلم حديث شماره(1015). [↑](#footnote-ref-26)
27. () مسند امام احمد و سنن امام ابن ماجه با تصحیح علامه البانی در مشکاه حدیث شماره(2091). [↑](#footnote-ref-27)
28. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-28)
29. () سنن امام ترمذی حدیث شماره(3499) و فرمود: این حدیث حسن است. [↑](#footnote-ref-29)
30. () سنن ابو داود شماره(521) و ارواء الغلیل شماره (241). [↑](#footnote-ref-30)
31. () سنن امام ابو داود حدیث شماره(2542). [↑](#footnote-ref-31)
32. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-32)
33. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(2012). [↑](#footnote-ref-33)
34. () مسند امام احمد حدیث شماره(7674). [↑](#footnote-ref-34)
35. () سنن امام ابو داود حدیث شماره(1050). [↑](#footnote-ref-35)
36. () نگا: زاد المعاد:1/131. [↑](#footnote-ref-36)
37. () صحیح امام مسلم حدیث شماره (1806). [↑](#footnote-ref-37)
38. () سنن امام ابن ماجه و مسند امام احمد و مستدرک حاکم و با تصحیح علامه البانی در سلسله احادیث صحیحه حدیث شماره(883). [↑](#footnote-ref-38)
39. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(1386). [↑](#footnote-ref-39)
40. () صحیح امام مسلم حدیث شماره (1385). [↑](#footnote-ref-40)
41. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(904). [↑](#footnote-ref-41)
42. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-42)
43. () صحیح امام بخاری حدیث شماره(799). [↑](#footnote-ref-43)
44. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(1111). [↑](#footnote-ref-44)
45. () سنن امام ترمذی حدیث شماره (3814). [↑](#footnote-ref-45)
46. () سنن امام ابو داود حدیث شماره(987). [↑](#footnote-ref-46)
47. () سنن امام ابو داود حدیث شماره(169) و صحیح امام مسلم حدیث شماره(576) و سنن امام ابن ماجه حدیث شماره(419) و سنن امام ترمذی حدیث شماره(55) و سنن امام نسایی حدیث شماره (148) با تصحیح علامه البانی. [↑](#footnote-ref-47)
48. () به روایت امام ابو داود شماره(169) با تصحیح البانی در صحیح الجامع شماره(5679). [↑](#footnote-ref-48)
49. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(7105). [↑](#footnote-ref-49)
50. () صحیح امام بخاری حدیث شماره(1154). [↑](#footnote-ref-50)
51. () سنن امام ترمذی حدیث شماره(3845) و مسند امام احمد حدیث شماره (1186) و با تصحیح حاکم در مستدرک حدیث شماره (1863) و موافقت امام ذهبی با او. [↑](#footnote-ref-51)
52. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(2166). [↑](#footnote-ref-52)
53. () مستدرک حاکم حدیث شماره(2534) و علامه البانی این حدیث را در تخریج الترغیب:1/116 و در سلسله احادیث صحیحه حدیث شماره(1469) حسن خوانده است. [↑](#footnote-ref-53)
54. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(2169). [↑](#footnote-ref-54)
55. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-55)
56. () سنن امام ابو داود حدیث شماره(1538) و صحیح الجامع از علامه البانی حدیث شماره(3029). [↑](#footnote-ref-56)
57. () الجامع الصغیر از علامه البانی شماره(5343) و فرمود این حدیث حسن است. نگا: صحیح الجامع شماره(3032). [↑](#footnote-ref-57)
58. () مسند امام احمد حدیث شماره(9723) تعليق شعيب الأرنؤوط: حسن. [↑](#footnote-ref-58)
59. () سنن امام ترمذی حدیث شماره(3585) صحیح الجامع حدیث شماره(3269). [↑](#footnote-ref-59)
60. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-60)
61. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(7112). [↑](#footnote-ref-61)
62. ()سنن ترمذی حدیث شماره(3573)وفرمود:این حدیث حسن صحیح است. [↑](#footnote-ref-62)
63. () مستدرک حاکم حدیث شماره(1816). [↑](#footnote-ref-63)
64. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(1015). [↑](#footnote-ref-64)
65. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-65)
66. () سنن امام ترمذی حدیث شماره(2323) و فرمود: این حدیث حسن است. [↑](#footnote-ref-66)
67. () سنن امام ترمذی حدیث شماره(3479) با تحسین علامه البانی. [↑](#footnote-ref-67)
68. () سنن کبری از امام بیهقی حدیث شماره(21022) و صحیح الجامع حدیث شماره(3070). [↑](#footnote-ref-68)
69. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-69)
70. () فی ظلال القران برگرفته از تفسیر آیت 38 سورۀ حج. [↑](#footnote-ref-70)
71. () نگا: قاعده جلیله فی التوسل و الوسیله ص 132-150. [↑](#footnote-ref-71)
72. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(7011). [↑](#footnote-ref-72)
73. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(6993). [↑](#footnote-ref-73)
74. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-74)
75. () سنن ترمذی حدیث شماره(2105)وفرمود:این حدیث حسن غریب است. [↑](#footnote-ref-75)
76. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-76)
77. () صحیح امام بخاری حدیث شماره(6045). [↑](#footnote-ref-77)
78. () صحیح امام بخاری حدیث شماره(1393). [↑](#footnote-ref-78)
79. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(6735). [↑](#footnote-ref-79)
80. () مسند امام احمد حدیث شماره(7619) و سنن امام ابو داود حدیث شماره(5099) با تصیح علامه البانی. [↑](#footnote-ref-80)
81. () سنن امام ابو داود حدیث شماره(5103) با تصحیح علامه البانی. [↑](#footnote-ref-81)
82. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-82)
83. () سنن امام ابو داود حدیث شماره(4982). با تصحیح علامه البانی. [↑](#footnote-ref-83)
84. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(7705). [↑](#footnote-ref-84)
85. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(7112). [↑](#footnote-ref-85)
86. () سنن امام ترمذی حدیث شماره(3700) با تحسین علامه البانی. [↑](#footnote-ref-86)
87. () مستدرک حاکم حدیث شماره(1805) و صحیح الجامع علامه البانی حدیث شماره(1122). [↑](#footnote-ref-87)
88. () شعب الایمان حدیث(8392) و صحیح الجامع حدیث(1055). [↑](#footnote-ref-88)
89. () سنن امام ابن ماجه حدیث شماره(3829) و سنن امام ترمذی حدیث شماره(3370) و صحیح الجامع علامه البانی حدیث شماره(5268). [↑](#footnote-ref-89)
90. () صحیح امام بخاری حدیث شماره(6502). [↑](#footnote-ref-90)
91. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(7442). [↑](#footnote-ref-91)
92. () صحيح امام مسلم حدیث شماره (7081). [↑](#footnote-ref-92)
93. () سنن امام ابو داود حدیث شماره(1489) و باتصحیح علامه البانی. [↑](#footnote-ref-93)
94. () معجم کبیر از طبرانی حدیث شماره(6005) و صحیح الجامع از علامه البانی حدیث شماره(7564). [↑](#footnote-ref-94)
95. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-95)
96. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-96)
97. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(1100). [↑](#footnote-ref-97)
98. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(1118) و اصحاب سنن. [↑](#footnote-ref-98)
99. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-99)
100. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-100)
101. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(6921). [↑](#footnote-ref-101)
102. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-102)
103. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-103)
104. () متفق علیه و لفظ از صحیح امام بخاری است. [↑](#footnote-ref-104)
105. () صحیح امام بخاری حدیث شماره(7383). [↑](#footnote-ref-105)
106. () متفق عليه. [↑](#footnote-ref-106)
107. () مستدرک حاکم حدیث شماره(1984). [↑](#footnote-ref-107)
108. () صحيح امام بخاری حدیث شماره(6367). [↑](#footnote-ref-108)
109. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-109)
110. () مستدرک حاکم حدیث شماره(1984). [↑](#footnote-ref-110)
111. () صحیح امام بخاری حدیث شماره(6399). [↑](#footnote-ref-111)
112. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-112)
113. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-113)
114. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(7078). [↑](#footnote-ref-114)
115. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(1112). [↑](#footnote-ref-115)
116. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(7023). [↑](#footnote-ref-116)
117. () سنن امام نسایی حدیث شماره(9739). [↑](#footnote-ref-117)
118. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(7081). [↑](#footnote-ref-118)
119. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(7079). [↑](#footnote-ref-119)
120. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(7120). [↑](#footnote-ref-120)
121. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(7070). [↑](#footnote-ref-121)
122. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(7064). [↑](#footnote-ref-122)
123. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(1847). [↑](#footnote-ref-123)
124. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(1848). [↑](#footnote-ref-124)
125. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(1848). [↑](#footnote-ref-125)
126. () صحیح امام بخاری حدیث شماره(6323). [↑](#footnote-ref-126)
127. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-127)
128. () صحیح امام مسلم حدیث شماره(7081). [↑](#footnote-ref-128)
129. () سنن امام ابوداود حدیث شماره(5097). [↑](#footnote-ref-129)
130. () سنن امام ابوداود حدیث شماره (5096) و سنن امام نسایی حدیث شماره(5486) و سنن امام ابن ماجه حدیث شماره(3884). [↑](#footnote-ref-130)
131. () سنن امام ابوداود حدیث شماره(5098). [↑](#footnote-ref-131)
132. () سنن امام ترمذي حدیث شماره(2602) و مسند امام احمد حدیث شماره(4524). [↑](#footnote-ref-132)
133. () سنن امام ابن ماجه حدیث شماره(2825). [↑](#footnote-ref-133)
134. () صحيح امام مسلم حديث شماره(3339). [↑](#footnote-ref-134)
135. () صحيح امام مسلم حديث شماره(3339). [↑](#footnote-ref-135)
136. () سنن امام ابو داود حديث شماره(1175) و مستدرك حاكم حديث شماره(1225). [↑](#footnote-ref-136)
137. () سنن امام ابوداودحدیث شماره(466). [↑](#footnote-ref-137)
138. () سنن امام ترمذى حديث شماره(314) و سنن امام ابن ماجه حديث شماره(771). [↑](#footnote-ref-138)
139. () سنن امام ترمذى حديث شماره(314) و سنن امام ابن ماجه حديث شماره(771). [↑](#footnote-ref-139)
140. () سنن امام ترمذي حديث شماره (3428) و مسند امام ابن ماجه حديث شماره(2235). [↑](#footnote-ref-140)
141. () متفق عليه. [↑](#footnote-ref-141)
142. () سنن امام ابو داود حدیث شماره(30) و سنن امام ترمذی حدیث شماره(7). [↑](#footnote-ref-142)
143. () سنن امام ابن ماجه حدیث شماره(301) و سنن امام نسایی حدیث شماره(9825). [↑](#footnote-ref-143)
144. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-144)
145. () صحيح امام مسلم حديث شماره(2301). [↑](#footnote-ref-145)
146. () سنن امام ترمذي حدیث شماره(1858) و سنن امام ابن ماجه حدیث شماره(3264). [↑](#footnote-ref-146)
147. () سنن امام ابو داود حدیث شماره(4025). [↑](#footnote-ref-147)
148. () صحيح امام مسلم حديث شماره(5483). [↑](#footnote-ref-148)
149. () سنن امام ابو داود حديث شماره(3856). [↑](#footnote-ref-149)
150. () سنن امام ابوداود حديث شماره(2359) [↑](#footnote-ref-150)
151. () صحيح امام بخاري حديث شماره(3420 ). [↑](#footnote-ref-151)
152. () صحيح امام بخارى حديث شماره(6224). [↑](#footnote-ref-152)
153. () مسند امام احمد حديث شماره(8943). [↑](#footnote-ref-153)
154. () سنن امام ابوداود حديث شماره(2162). [↑](#footnote-ref-154)
155. () معجم کبیر از طبراني حديث شماره(13149). [↑](#footnote-ref-155)
156. () دعا از طبراني حديث شماره(402) وشعب الايمان از بيهقي حديث شماره(4145). [↑](#footnote-ref-156)
157. () موطأ امام مالك حديث شماره(1165) و الادب المفرد از امام بخارى حديث شماره(723). [↑](#footnote-ref-157)
158. () مستدرك حاكم حديث شماره(1739) و سنن دار قطنى حديث شماره(2738). [↑](#footnote-ref-158)
159. () سنن امام ترمذي حديث شماره(3433) و سنن امام ابوداود حديث شماره(4861)، و سنن امام نسائي حديث شماره(1344). [↑](#footnote-ref-159)
160. () متفق عليه. [↑](#footnote-ref-160)
161. () صحيح امام بخاري حديث شماره(6323) و مسند امام احمد حديث شماره(23319). [↑](#footnote-ref-161)
162. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-162)
163. () سنن بيهقي حديث شماره(19077). [↑](#footnote-ref-163)
164. () سنن بيهقي حديث شماره(3268). [↑](#footnote-ref-164)
165. () سنن بيهقي حديث شماره(3263). [↑](#footnote-ref-165)
166. () مسند امام احمد حدیث شماره(3712). [↑](#footnote-ref-166)
167. () صحيح امام بخاري حديث شماره(6363). [↑](#footnote-ref-167)
168. () متفق عليه. [↑](#footnote-ref-168)
169. () سنن امام ابو داود حدیث شماره(5092) و مسند امام احمد حديث شماره(20447). [↑](#footnote-ref-169)
170. () سنن امام ترمذي حديث شماره (3505). [↑](#footnote-ref-170)
171. () سنن امام ابوداود حديث شماره(1527). [↑](#footnote-ref-171)
172. () سنن امام ابوداود حديث شماره(3895). [↑](#footnote-ref-172)
173. () سنن امام نسايي حديث شماره(7818) و سنن امام ابن ماجه حديث شماره(3843). [↑](#footnote-ref-173)
174. () سنن امام ابو داود حديث شماره(1556) و مصنف ابن ابي شيبة حديث شماره(29739). [↑](#footnote-ref-174)
175. () سنن امام ابن ماجه حدیث شماره(2957). [↑](#footnote-ref-175)
176. () الادب المفرد از امام بخاری حدیث شماره(716) و معجم كبير از طبرانی حدیث شماره(49). [↑](#footnote-ref-176)
177. () سنن امام ترمذي حدیث شماره(3431) و شعب الايمان از بیهقی حدیث شماره(4130). [↑](#footnote-ref-177)
178. () صحيح امام بخاري حديث شماره(614). [↑](#footnote-ref-178)
179. () الدعاء از طبراني حديث شماره(404) و شعب الایمان از امام بیهقی حدیث شماره(8184). [↑](#footnote-ref-179)
180. () سنن امام ابن ماجه حدیث شماره(1498) و سنن امام ابو داود حدیث شماره(3203). [↑](#footnote-ref-180)
181. () صحيح امام مسلم حدیث شماره(2276). [↑](#footnote-ref-181)
182. () صحيح امام بخاري حديث شماره(65). [↑](#footnote-ref-182)
183. () سنن امام ابو داود حدیث شماره (1416) و سنن امام ترمذی حدیث شماره (580) وسنن امام نسایی حدیث شماره(1129). [↑](#footnote-ref-183)
184. () متفق علیه. [↑](#footnote-ref-184)
185. () الدعوات الكبير از بيهقي حديث شماره(227). [↑](#footnote-ref-185)
186. () صحيح ابن حبان حديث شماره (974) و الدعوات از بيهقي حديث شماره(265). [↑](#footnote-ref-186)
187. () مستدرك حاكم حديث شماره(1973) و الدعوات از بيهقي حديث شماره(177). [↑](#footnote-ref-187)